

# احکام ازدواج

مطابق با فتاوی آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# احکام ازدواج

مطابق با فتاوی آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

تهیه و تنظیم: سید محمد موسوی

تاریخ نگارش: آبان ۱۳۹۷

قیمت: رایگان

## فهرست

۱	.....	مقدمه
۲	.....	انواع ازدواج
۳	.....	تفاوت های ازدواج دائم و موقت
۷	.....	ضرورت ازدواج
۹	.....	سن ازدواج
۱۱	.....	شرایط صحت عقد ازدواج
۱۲	.....	رضایت زن و مرد به ازدواج
۱۴	.....	اجازه پدر یا جد پدری دختر باکره
۱۷	.....	مواردی که اجازه پدر و جد پدری دختر باکره لازم نیست
۲۰	.....	مهریه
۲۲	.....	مهریه در ازدواج دائم
۲۸	.....	مهریه در ازدواج موقت
۳۰	.....	مهرالسنة
۳۱	.....	محاسبه مهرالسنة به نرخ روز
۳۲	.....	مدت عقد ازدواج موقت

۳۵	شرایط خواندن صیغه عقد ازدواج
۴۱	صیغه عقد ازدواج موقت
۴۳	صیغه عقد ازدواج دائم
۴۵	ازدواج های حرام
۴۷	ازدواج با محارم
۴۸	محارم نسبی
۴۹	محارم رضاعی
۵۸	محارم سببی
۶۱	ازدواج با زن شوهردار
۶۴	ازدواج با خواهرزن
۶۵	ازدواج با خواهرزاده یا برادرزاده زن، بدون اجازه او
۶۶	ازدواج با زن عدّه دار
۶۹	عدّه طلاق
۷۱	عدّه ازدواج موقت
۷۳	عدّه وفات
۷۵	عدّه زن باردار

- ۷۶..... عدّه زن زناکار
- ۷۷..... عدّه وطی به شُبّه
- ۷۸..... مواردی که لازم نیست زن عدّه نگه دارد
- ۷۹..... ازدواج با خواهر، مادر و دختر لواط دهنده
- ۸۰..... ازدواج با کافر غیر کتابی
- ۸۴..... ارتداد همسر
- ۸۷..... ازدواج با اهل سنّت در صورت احتمال انحراف عقیدتی
- ۸۸..... ازدواج در حال احرام
- ۸۹..... ازدواج دائم با زن پنجم
- ۹۰..... ازدواج دائم مرد با زنی که در عقد موقت اوست
- ۹۱..... ازدواج موقت مرد با زنی که در عقد دائم اوست
- ۹۲..... ازدواج با زن سه طلاقه بدون محلل
- ۹۳..... ازدواج با زن ثه طلاقه
- ۹۴..... ازدواج با خنثای مشکل
- ۹۵..... ازدواج با زن زناکار پیش از توبه زن
- ۹۶..... ازدواج با دختر خاله در صورت زنا با خاله

- ازدواج با دختر عمّه در صورت زنا با عمّه ..... ۹۷
- ازدواج با افرادی که بیماری خطرناک و واگیردار دارند ..... ۹۸
- ازدواج با فرزند خوانده ..... ۹۹
- ازدواج های مکروه ..... ۱۰۰
- منابع ..... ۱۰۴

## مقدمه

این کتاب، مطابق با فتاوی آیت‌الله‌العظمی ناصر مکارم شیرازی تنظیم شده است. در هر جای این کتاب که کلمه ازدواج به کار برده شده است، منظور هم ازدواج دائم و هم ازدواج موقت است، مگر در مواردی که نوع ازدواج به آن اشاره شده است.

## انواع ازدواج

**مسأله:** به واسطه عقد ازدواج، زن و مرد به هم حلال می‌شوند و آن بر دو قسم است: دائم و موقت.

**مسأله:** در ازدواج موقت، مدت عقد ازدواج توسط زن و مرد تعیین می‌شود. مثلاً زن را به مدت یک ساعت یا یک روز یا یک ماه یا یک سال یا بیشتر عقد می‌کنند و بعد از تمام شدن مدت یا بخشیده شدن مدت باقی مانده از طرف شوهر، از یکدیگر جدا می‌شوند و نیازی به خوانده شدن صیغه طلاق ندارد.

به ازدواج موقت، متعه و صیغه نیز می‌گویند.

**مسأله:** در ازدواج دائم، مدت عقد ازدواج تعیین نمی‌شود، بلکه مدت آن همیشگی است و زن و مرد از طریق خوانده شدن صیغه طلاق با رعایت شرایط آن، می‌توانند از یکدیگر جدا شوند. البته حق طلاق در اختیار مرد است.

به زنی که به این قسم عقد می‌شود، دائمه نیز می‌گویند.



## تفاوت های ازدواج دائم و موقت

ازدواج دائم و موقت در بسیاری از احکام و مسائل مشترک هستند، اما در موارد زیر با یکدیگر تفاوت دارند:

۱. در ازدواج موقت، مدت عقد ازدواج باید تعیین شود و عقد ازدواج موقت بدون تعیین مدت، باطل است. اما در ازدواج دائم، مدت عقد ازدواج تعیین نمی‌شود بلکه مدت آن همیشگی است.

۲. در ازدواج موقت، مهریه باید تعیین شود و عقد ازدواج موقت بدون تعیین مهریه، باطل است. اما عقد ازدواج دائم بدون تعیین مهریه صحیح است و اگر مرد با زن نزدیکی کند، به زن مهرالمثل تعلق می‌گیرد.

۳. در ازدواج دائم، زن حق نفقه دارد. اما در ازدواج موقت، زن حق نفقه ندارد هر چند باردار شود. اما اگر باردار شود، تمام هزینه‌هایی که به واسطه جنین بر مادر تحمیل می‌شود، به عهده شوهر است.

۴. در ازدواج دائم، زن حق ندارد شرط کند که نزدیکی صورت نگیرد. اما در ازدواج موقت، زن می‌تواند شرط کند که شوهر با او نزدیکی نکند و تنها لذت‌های دیگر ببرد، ولی اگر بعداً به این امر راضی شود اشکالی ندارد.

۵. در ازدواج دائم، اگر مرد همسرش را طلاق دهد، در صورتی که نزدیکی کرده باشد تمام مهریه و در غیر اینصورت نصف مهریه را باید به زن بپردازد. اما در ازدواج موقت، بعد از تمام شدن مدت یا بخشیده شدن مدت باقی‌مانده از طرف شوهر، مرد باید تمام

مهریه را به زن بپردازد، حتی اگر نزدیکی نکرده باشد. اما اگر زن تمکین نکرده باشد، از مهریه او کم خواهد شد.

۶. در ازدواج دائم، اگر برای پرداخت مهریه مدتی تعیین نشده باشد، زن می‌تواند تا زمانی که مهریه‌اش را نگرفته از نزدیکی شوهر جلوگیری کند، البته به شرط اینکه قبلاً نزدیکی نکرده باشند. اما در ازدواج موقت، حق حبس نیست و زن حتی اگر مهریه‌اش را نگرفته باشد، باید تا آخر مدّت تمکین کند و اگر تمکین نکند، به هر اندازه‌ای که در این مدّت تمکین نکرده، به همان اندازه از مهریه او کاسته خواهد شد و بر مرد واجب است در اولین فرصت مهریه زن را بپردازد.

۷. در ازدواج دائم، زن و شوهر از یکدیگر ارث می‌برند. اما در ازدواج موقت، زن و شوهر از یکدیگر ارث نمی‌برند. فرزندان ازدواج موقت، تمام حقوق فرزندی را دارا هستند و از پدر و مادر و بستگان خود ارث می‌برند، هر چند آن زن و شوهر از یکدیگر ارث نمی‌برند.

۸. در ازدواج دائم، زن برای خروج از خانه باید از شوهرش اجازه بگیرد. اما در ازدواج موقت، زن می‌تواند بدون اجازه شوهر از خانه خارج شود یا کاری در خارج از خانه برای خود انتخاب کند، مگر آنکه خروج او از خانه باعث از بین رفتن حق شوهر شود.

۹. در ازدواج دائم، زن حق هم‌خوابی دارد (در صورتی که متعدّد باشند). اما در ازدواج موقت، زن حق هم‌خوابی ندارد.

۱۰. در ازدواج دائم، بعد از طلاق سوّم و برای ازدواج چهارم، نیاز به محلّل است. اما ازدواج موقت با یک نفر، هر چند بار هم تکرار شود نیاز به محلّل ندارد.

۱۱. در ازدواج دائم، یک مرد به طور هم‌زمان فقط با چهار زن می‌تواند ازدواج دائم کند. اما در ازدواج موقت، یک مرد به طور هم‌زمان با بی‌نهایت زن می‌تواند ازدواج موقت کند.

۱۲. در ازدواج دائم، حقّ طلاق در اختیار مرد است و زن اسیر مرد! حتی اگر هم مرد با طلاق موافقت کند، دادگاه به راحتی حکم طلاق را صادر نمی‌کند. اما ازدواج موقت طلاق ندارد و هر زمان مدّت عقد ازدواج موقت تمام شود یا شوهر مدّت باقی‌مانده را به زن ببخشد، زن از قید همسری او رها می‌شود. و ازدواج موقت از این نظر که حقّ طلاق در اختیار مرد نیست، به نفع بانوان است!

۱۳. در ازدواج دائم، دختر و پسر در انتخاب همسر سخت‌گیری می‌کنند و چه بسا تا آخر عمر ازدواج نکنند. اما ازدواج موقت در واقع یک نوع ازدواج آسان است که در آن، دختر و پسر در انتخاب همسر سخت‌گیری نمی‌کنند، چون مدّت آن همیشگی نیست.

۱۴. در ازدواج دائم، برای خوانده شدن صیغه عقد ازدواج باید به محضر مراجعه کرد و خوانده شدن صیغه عقد ازدواج دائم توسط خود زن و مرد، غیر قانونی است. اما در ازدواج موقت، خود زن و مرد هم می‌توانند صیغه عقد ازدواج موقت را با رعایت شرایط بخوانند و نیازی به رفتن به محضر نیست.

طبق مادّة ۲۱ قانون حمایت خانواده، ثبت عقد ازدواج موقت در محضر در ۳ مورد الزامی است:

۱. در صورتی که زن باردار شود.
۲. در صورتی که به صورت ضمن عقد، ثبت ازدواج موقت شرط شده باشد.
۳. در صورتی که زن و مرد برای ثبت ازدواج موقت، توافق کرده باشند.

## ضرورت ازدواج

**مسئله:** ازدواج از مستحباتی است که بسیار به آن سفارش شده است، ولی اگر کسی به خاطر ترک ازدواج مرتکب گناه شود یا بترسد که مرتکب گناه شود، ازدواج بر او واجب است.

**مسئله:** منظور از مرتکب گناه شدن بخاطر ترک ازدواج، عمومی است و شامل هر گناهی می‌شود. مانند: نگاه به نامحرم، خود ارضایی، زنا، لواط و غیره.

**مسئله:** کسی که ازدواج بر او واجب است و امکان ازدواج دائم را ندارد ولی ازدواج موقت برایش امکان پذیر است، وظیفه او ازدواج موقت است.

**مسئله:** ازدواج موقت، یکی از احکام مسلم فقهی است و در شریعت اسلام جایز است، ولی نباید وسیله هوسبازی افراد هوسباز شود و احتیاط آن است تا ضرورتی نباشد، اقدام به این کار نشود.

**مسئله:** ازدواج موقت برای هوسبازی هوسبازان نیست، بلکه فلسفه روشنی دارد از جمله: رفع نیازهای جنسی مردانی که به سبب علل و عواملی امکان ازدواج دائم را ندارند یا مثلاً همسرشان بیمار است و امکان برطرف کردن نیازهایشان از طریق عادی نیست. شرح بیشتر را در تفسیر نمونه جلد سوم ذیل آیه ۲۴ سوره نساء نوشته‌ام.

**مسئله:** ازدواج موقت برای مردی که همسر دائم دارد اشکالی ندارد و نیاز به اجازه همسر ندارد، لکن فقط در صورت ضرورت این کار را بکند.

**مسئله:** ازدواج موقت هر چند برای لذت بردن هم نباشد بلکه به قصد محرم شدن باشد، جایز است.

مسأله: اگر کسی امکان ازدواج نداشته باشد، معذور است ولی باید خود را از گناه حفظ کند.

## سن ازدواج

**مسئله:** مستحب است در شوهر دادن دختری که به حدّ بلوغ رسیده عجله کنند، همچنین در مورد زن دادن به پسرای که نیاز به همسر دارند.

**مسئله:** سنّ ۹ سالگی در دختران و ۱۵ سالگی در پسران، سنّ تکلیف است و الزاماً سنّ ازدواج نیست.

**مسئله:** ازدواج در صورتی جایز است که دختر و پسر رشد جسمانی کافی برای ازدواج داشته باشند و خطر إفضاء و نقایص دیگر در کار نباشد.

**مسئله:** اگر کارشناسان به طور خاص یا به طور عام تأیید کنند که فلان دختر یا پسر یا عموم دختران در محیط ما در فلان سن، رشد جسمانی کافی برای ازدواج ندارند، ازدواج در چنین سنّی حرام است.

**مسئله:** ازدواج دختران در صورتی که بالغ شرعی باشند و نیز رشد جسمانی و رشد کافی عقلی برای تصمیم‌گیری در امر ازدواج داشته باشند، مانعی ندارد هر چند سنّ آنها زیر ۱۸ سال باشد.

**مسئله:** اختلاف سن در ازدواج حدّ معینی ندارد، ولی بهتر این است که فاصله زیادی نباشد تا پیوند ازدواج دوام بیشتری داشته باشد.

**مسئله:** بلوغ بر حسب ادلّه شرع، چهار مرحله دارد:

۱. بلوغ به معنای سنّ تکلیف و رعایت واجب و حرام و انجام نماز و مانند آن.
۲. بلوغ به معنای آمادگی برای روزه، بطوری که مایه ضرر و زیان و بیماری پسران و دختران نشود.

۳. بلوغ برای ازدواج، بطوری که دختران از نظر جسمی آمادگی کافی داشته باشند و خطر إفضاء و نقایص دیگر در کار نباشد.
۴. بلوغ و رشد برای مسائل اقتصادی و مالی، بطوری که در معاملات فریب نخورند.



## شرایط صحّت عقد ازدواج

برای صحّت عقد ازدواج، شرایط زیر باید رعایت شود:

۱. رضایت زن و مرد به ازدواج.
۲. اجازه پدر یا جدّ پدری دختر باکره.
۳. تعیین مهریه و مدّت در عقد ازدواج موقت.
۴. خواندن صیغه عقد ازدواج دائم یا موقت با رعایت شرایط آن.

## رضایت زن و مرد به ازدواج

**مسأله:** رضایت زن و مرد به ازدواج شرط است و ازدواج اجباری بدون رضایت قلبی زن یا مرد، باطل است.

**مسأله:** اگر زن به هنگام عقد ازدواج راضی نباشد و پس از آن هم هرگز راضی نشود، عقد ازدواج باطل است و نیاز به طلاق هم ندارد و زن می‌تواند با رعایت عده، با شخص دیگری ازدواج کند.

**مسأله:** اگر زن و مرد یا یکی از آن دو را مجبور به ازدواج نمایند ولی بعد از خواندن صبیغه عقد ازدواج راضی شوند و اجازه دهند، احتیاط واجب آن است که صبیغه عقد ازدواج را از نو بخوانند.

**مسأله:** پدر و مادر حق ندارند برای ازدواج دختر یا پسر خود نذر کنند یا محدودیتی قائل شوند، مثلاً نذر کنند که دختران‌شان را فقط به سادات بدهند. حتی اگر خود دختران هم نذر کنند و سبب بروز مشکلاتی شوند، نذرشان اعتباری ندارد.

**مسأله:** دختر و پسر مجبور نیستند با کسی که والدین‌شان پسند کرده‌اند ولی مورد پسند خودشان نیست ازدواج کنند، ولی در احترام والدین خود کوتاهی نکنند.

**مسأله:** ازدواج اجباری دختران بدون رضایت آنها جایز نیست و عواقب ناگواری دارد و سزاوار است پدران و مادران احکام شرع را درباره فرزندانشان رعایت کنند تا آنها خوشبخت شوند.

**مسأله:** زن و مرد باید از روی اختیار به ازدواج راضی باشند، ولی اگر یکی از آن دو ظاهراً با کراهت اجازه می‌دهد اما می‌دانیم قلباً راضی است، عقد ازدواج صحیح است.

**مسأله:** اگر صیغه عقد ازدواج زن و مردی را بدون اجازه آنها بخوانند و بعداً آنها راضی شوند و اجازه دهند، عقد ازدواج صحیح است. به این کار، صیغه عقد فضولی گفته می شود!

## اجازه پدر یا جد پدری دختر باکره

**مسئله:** دختر باکره برای ازدواج باید از پدر یا جد پدری اش (پدر پدر) اجازه بگیرد و عقد ازدواج دائم یا موقت بدون اجازه پدر یا جد پدری دختر باکره، بنابر احتیاط واجب باطل است.

**مسئله:** باکره به دختری گفته می شود که قبلاً ازدواج صحیح و شرعی نکرده باشد، خواه عضو بکارت موجود باشد یا نه.

**مسئله:** دختری که بکارتش را در اثر حادثه یا ورزش از دست داده است، باکره محسوب می شود و برای ازدواج باید از پدر یا جد پدری اش اجازه بگیرد.

**مسئله:** دختری که از راه نامشروع مثل زنا یا تجاوز بکارتش را از دست داده است، باکره محسوب می شود و برای ازدواج باید از پدر یا جد پدری اش اجازه بگیرد.

**مسئله:** زنان زناکار، برای ازدواج باید از پدر یا جد پدری شان اجازه بگیرند.

**مسئله:** دختر باکره ای که درآمدی دارد و مستقل است، برای ازدواج باید از پدر یا جد پدری اش اجازه بگیرد.

**مسئله:** در ازدواج موقت، اگر دختر باکره بخواهد شرط کند که نزدیکی صورت نگیرد، باز هم اجازه پدر یا جد پدری دختر باکره لازم است.

**مسئله:** اگر مرد، مقلد مرجع تقلیدی باشد که معتقد است ازدواج دختر باکره بدون اجازه پدر و جد پدری اش جایز است ولی دختر مقلد کسی است که معتقد است ازدواج دختر باکره بدون اجازه پدر یا جد پدری اش جایز نیست، دختر باکره نمی تواند بدون اجازه پدر یا جد پدری اش ازدواج کند.

**مسئله:** ملاک حرف کسی است که رضایت دارد و اجازه می دهد. مثلاً اگر پدر دختر باکره با ازدواج مخالف است اما جدّ پدری دختر باکره اجازه می دهد، ملاک نظر جدّ پدری است و دختر باکره می تواند ازدواج کند.

**مسئله:** اگر پدر دختر باکره با ازدواج موافق باشد، ولی جدّ پدری دختر باکره مخالف باشد، ملاک نظر پدر دختر باکره است و دختر باکره می تواند ازدواج کند.

**مسئله:** اظهار اجازه توسط پدر یا جدّ پدری دختر باکره لازم است و رضایت قلبی کافی نیست.

**مسئله:** اگر دختر بگوید که از پدر یا جدّ پدری اش برای ازدواج اجازه دارد، احتیاط واجب آن است که خود پسر از پدر یا جدّ پدری دختر باکره اجازه بگیرد.

**مسئله:** اگر پدر یا جدّ پدری دختر باکره به ازدواج دائم با پسری اجازه دهد، دختر باکره نمی تواند بدون اطلاع و اجازه پدر یا جدّ پدری اش ازدواج موقت کند.

**مسئله:** اگر پدر یا جدّ پدری دختر باکره با اصل ازدواج موافق باشد، ولی نسبت به خصوصیات ازدواج مانند: مهریه، زمان عقد و عروسی و غیره مخالف باشد، عقد ازدواج صحیح است.

**مسئله:** اگر پدر یا جدّ پدری دختر باکره نسبت به ازدواج دختر اظهار رضایت کند ولی از قرائت صیغه عقد ازدواج بی اطلاع باشد و در جلسه عقد ازدواج حاضر نباشد، عقد ازدواج صحیح است و حضور او در مجلس عقد ازدواج شرط نیست.

**مسأله:** اگر دختر باکره بدون اجازه پدر یا جد پدری اش ازدواج کند و سایر شرایط صحت عقد ازدواج رعایت شده باشد و پدر یا جد پدری دختر باکره بعد از آگاهی از ازدواج دختر اجازه دهد، عقد ازدواج صحیح است.

**مسأله:** اگر دختر باکره بدون اجازه پدر یا جد پدری اش ازدواج کند و پدر یا جد پدری اش ازدواج را قبول نکند، احتیاط واجب آن است که زن و مرد نگاه محرمانه به یکدیگر نکنند و مرد زن را طلاق دهد.

**مسأله:** اگر دختر باکره‌ای بدون اجازه پدر یا جد پدری اش ازدواج کند و صاحب فرزند شود، اگر حکم شرعی را نمی‌دانسته و یا مقلد کسی بوده که در ازدواج با دختر باکره اجازه پدر یا جد پدری دختر باکره را شرط نمی‌داند، فرزند حکم حلال‌زاده را دارد.

**مسأله:** پسری که به حد بلوغ و رشد رسیده است، برای ازدواج نیاز به اجازه پدر یا جد پدری اش ندارد، ولی بهتر است موافقت آنها را به دست آورد.

## مواردی که اجازه پدر و جدّ پدری دختر باکره لازم نیست

در موارد زیر، اجازه پدر و جدّ پدری دختر باکره برای ازدواج لازم نیست:

۱. بانوانی که قبلاً سابقه ازدواج داشته‌اند.
  ۲. دختران باکره‌ای که بیش از ۳۰ سال سن دارند.
  ۳. به پدر و جدّ پدری دختر باکره دسترسی نباشد یا هر دو فوت شده باشند.
  ۴. پدر و جدّ پدری دختر باکره بدون دلیل منطقی با ازدواج مخالفت می‌کنند.
  ۵. دختران باکره مسیحی یا یهودی یا اهل سنت.
  ۶. دختران باکره شیعه که پدر و جدّ پدری‌شان شیعه نباشند.
- مسئله:** زنی که قبلاً یک‌بار با اجازه پدر یا جدّ پدری‌اش، ازدواج صحیح و شرعی کرده است و به هر علّتی از شوهرش جدا شده است، خواه شوهرش با او نزدیکی کرده باشد یا نه، برای ازدواج مجدد نیاز به اجازه پدر و جدّ پدری‌اش ندارد، به شرط اینکه ازدواج دوم به مصلحت او باشد.
- مسئله:** دختری که سنّ او بیش از سی سال است، به شرط این که فرد هوشیاری باشد و بتواند تصمیم بگیرد و مصلحت خود را تشخیص دهد، بدون اجازه پدر و جدّ پدری‌اش می‌تواند ازدواج کند.
- مسئله:** معمولاً دختران بالای سی سال در مسائل ازدواج رشیده هستند، یعنی مصلحت خودشان را تشخیص می‌دهند.
- مسئله:** منظور از سی سال، سی سال عرفی است و بستگی به تشخیص مصلحت توسط دختر دارد.

**مسئله:** اگر به پدر و جدّ پدری دختر باکره دسترسی نباشد یا هر دو فوت شده باشند و دختر باکره هم احتیاج به شوهر کردن داشته باشد و به تأیید بعضی از بزرگان فامیل مانند: عمو، دایی، مادر و مخصوصاً برادر بزرگتر، پسر شرعاً و عرفاً کفو و همتای دختر باشد، اجازه پدر و جدّ پدری دختر باکره برای ازدواج لازم نیست.

**مسئله:** اگر به تأیید بعضی از بزرگان فامیل مانند: عمو، دایی، مادر و مخصوصاً برادر بزرگتر، پسر شرعاً و عرفاً کفو و همتای دختر باشد و پدر و جدّ پدری دختر باکره بدون دلیل مخالفت می‌کنند، اجازه پدر و جدّ پدری دختر باکره برای ازدواج لازم نیست.

**مسئله:** منظور از کفو شرعی آن است که مسلمان باشند و منظور از کفو عرفی آن است که از نظر شؤون اجتماعی با هم متناسب باشند و مراعات کفو عرفی لازم نیست، مگر در جایی که دختر رشد فکری کافی ندارد و ولی برای او شوهر انتخاب می‌کند.

**مسئله:** تحصیلات و شغل از نظر شرعی تأثیری در کفو بودن ندارند.

**مسئله:** منظور از اینکه دختر باکره احتیاج به شوهر کردن داشته باشد، یعنی به سنّی رسیده است که هرگاه شوهر نکند، به زحمت یا به خطر می‌افتد.

**مسئله:** ازدواج موقت معمولاً به مصلحت دختران باکره نیست و اگر پدر و جدّ پدری دختر باکره مخالفت می‌کنند، بجاست.

**مسئله:** دختران باکره مسیحی یا یهودی یا اهل سنت، در صورتی که سنّ کمی نداشته باشند و دارای رشد کافی عقلی و جسمی بوده و قدرت تشخیص مصالح خود را داشته



باشند، چنانچه مفسده‌ای پیش نیاید، ازدواج با آنان بدون اجازه پدر و جد پدری‌شان مانعی ندارد.

**مسأله:** منظور از دختران باکره مسیحی یا یهودی یا اهل سنت، دخترانی هستند که قبلاً ازدواج صحیح مطابق اعتقاد خودشان نکرده باشند، خواه عضو بکارت موجود باشد یا نه.

**مسأله:** دختران باکره شیعه، اگر پدر و جد پدری‌شان شیعه نباشند مثلاً مسیحی یا یهودی یا اهل سنت باشند، در صورتی که دختر هوشیار و رشیده باشد و مصالح خود را تشخیص دهد و مفسده‌ای پیش نیاید، ازدواج با آنان بدون اجازه پدر و جد پدری-شان مانعی ندارد.

## مهریه

**مسأله:** مهریه دین و بدهی است که بر عهده شوهر است و باید آن را به زن بپردازد و چنانچه زن از دنیا برود، وارثان زن می‌توانند از شوهرش مطالبه کنند.

**مسأله:** اگر بعضی از ورثه از دریافت مهریه خودداری کنند، باید آن را نگه دارند تا زمانی که حاضر به دریافت آن شوند.

**مسأله:** در صورتی که شوهر از دنیا برود و مالی نداشته باشد، زن حق ندارد مهریه‌اش را از خانواده شوهر بگیرد، چون مهریه دینی است که بر عهده شوهر قرار گرفته است.

**مسأله:** هر کس مهریه دختر را قبول کند، پرداخت مهریه بر عهده اوست و اگر فوت کند باید از اموال او برداشت.

**مسأله:** هر چیزی را که دارای مالیت و قیمت مشخص و معلوم است، می‌توان به عنوان مهریه قرار داد.

**مسأله:** مهریه می‌تواند غیر نقدی باشد، ولی قیمت آن باید مشخص باشد.

**مسأله:** مقدار مهریه با توافق زن و مرد باید تعیین شود و حدّ ثابتی ندارد، ولی شایسته است از مهریه‌های سنگین پرهیز شود. طبق برخی از روایات، زانی که مهریه سنگین دارند شوم هستند.

**مسأله:** تعیین مهریه حق دختر است، ولی مشورت و رعایت احترام پدر و مادر و بستگان، کار بسیار پسندیده‌ای است.

**مسأله:** مهریه ملک زن است و می‌تواند هر تصرفی در مهریه‌اش انجام دهد.

**مسأله:** چنانچه شوهر بداند اگر مهریه را پرداخت کند زن آن را در راه حرام استفاده می کند، پرداخت مهریه مانعی ندارد ولی نهی از منکر کند.

**مسأله:** مهریه هایی که به مرور زمان ارزش آنها پایین آمده است، زن و شوهر باید با هم مصالحه کنند و یا به نرخ روز حساب شود.

**مسأله:** در صورت اختلاف زن و مرد در مورد مقدار مهریه، چنانچه مرد مدعی مقدار کمتر است، حرف او پذیرفته می شود مگر اینکه زن دلیلی بر خلاف آن ارائه کند که در این صورت حرف زن پذیرفته می شود.

**مسأله:** زنی که مهریه زیادی که به حد استطاعت حج می رسد از شوهرش طلبکار است، هرگاه گرفتن مهریه از شوهر برای او عیب نباشد و مشکلی در زندگی او و شوهرش ایجاد نکند، مستطیع است و باید به حج برود.

**مسأله:** بعد از عقد ازدواج، مهریه را نمی توان افزایش داد مگر اینکه در ضمن عقد خارج لازم باشد. ولی کاهش مهریه یا بخشش مهریه توسط زن اشکالی ندارد.

## مهریه در ازدواج دائم

**مسئله:** اگر مرد زنش را طلاق دهد، در صورتی که نزدیکی کرده باشد تمام مهریه و در غیر اینصورت، نصف مهریه را باید به او بپردازد.

**مسئله:** مرد باید حداقل به اندازه ختنه‌گاه دخول کرده باشد تا نزدیکی صدق کند.

**مسئله:** فرقی بین زن باکره و غیر باکره نیست. اگر مرد با همسرش نزدیکی کرده باشد، تمام مهریه و در غیر اینصورت نصف مهریه را باید به او بپردازد.

**مسئله:** اگر زنی که نازا است طلاق داده شود و نزدیکی هم صورت گرفته باشد، مرد باید تمام مهریه را به او بپردازد.

**مسئله:** اگر مرد از پشت زن (دُبُر) با او نزدیکی کرده باشد، تمام مهریه را باید به او بپردازد.

**مسئله:** نزدیکی از پشت زن (دُبُر) بدون رضایت زن حرام و با رضایت وی کراهت شدید دارد. ضمناً این کار از نظر پزشکی اشکال دارد و بعضاً منشأ بیماری‌های گوناگونی می‌شود و تکرار آن سبب نوعی انحراف جنسی می‌شود.

**مسئله:** اگر مرد نزدیکی نکرده باشد ولی انزال صورت گرفته و نطفه به رحم زن منتقل و سبب باردار شدن زن شده باشد، احتیاط واجب آن است که مرد تمام مهریه را به زن بپردازد.

**مسئله:** اگر مرد با انگشت یا چیز دیگری به غیر از آلت مردی، بکارت همسرش را از بین ببرد، در صورت عدم رضایت زن تعزیر دارد و زن حق دریافت تمام مهریه را دارد.

**مسئله:** در عقد ازدواج دائم، اگر زن فوت کند مرد باید تمام مهریه را به وارثان زن بپردازد، حتی اگر نزدیکی نکرده باشد. اما اگر فرزندی نداشته باشد، نصف آن به عنوان ارث به شوهر بر می‌گردد.

**مسئله:** ارتداد در حکم فوت است و اگر زن مرتد شود، مهریه مانند زمان فوت به طور کامل باید به ورثه زن پرداخت شود. البته اگر نزدیکی نشده باشد، در مورد نصف آن با ورثه مصالحه نمایند.

**مسئله:** در عقد ازدواج دائم، اگر مهریه تعیین نشده باشد و زن قبل از نزدیکی طلاق داده شود، طبق آیات قرآن مهریه به زن تعلق نمی‌گیرد و تنها باید هدیه مناسبی به زن داد.

**مسئله:** در عقد ازدواج دائم، اگر مهریه تعیین نشده باشد و زن یا مرد قبل از نزدیکی فوت کند، طبق آیات قرآن مهریه به زن تعلق نمی‌گیرد.

**مسئله:** در عقد ازدواج دائم، اگر مهریه قبلاً تعیین شده باشد و مرد قبل از نزدیکی فوت کند، در مورد نصف آن با ورثه مصالحه نمایند.

**مسئله:** در هنگام طلاق، اگر زن بگوید نزدیکی صورت گرفته و خواستار تمام مهریه باشد ولی مرد ادعا کند نزدیکی صورت نگرفته، ظاهر قبول سخن زن است که ادعای نزدیکی دارد. چون با هم زندگی کرده‌اند و شب با هم بوده‌اند ولو یک شب، چه رسد به موردی که مدت‌ها با هم بوده‌اند. در اینجا می‌گوییم ظاهر حال موافق قول به نزدیکی است و الا هیچ راهی برای اثبات نزدیکی یا عدم آن باقی نمی‌ماند، پس سخن زن را قبول می‌کنیم و حکم نزدیکی را جاری می‌کنیم.

**مسأله:** زن و مرد می‌توانند برای پرداخت مهریه مدتی را معین کنند و یا با هم توافق کنند که زن فقط در هنگام طلاق، مهریه‌اش را دریافت کند. اما اگر زن قبل از طلاق فوت کند، مرد باید مهریه زن را به وارثان زن پرداخت کند.

**مسأله:** اگر در هنگام عقد ازدواج دائم برای پرداخت مهریه مدتی معین نشده باشد، زن می‌تواند مهریه خود را فوراً مطالبه کند. بلکه می‌تواند تا زمانی که مهریه خود را دریافت نکرده است، از نزدیکی کردن شوهر جلوگیری کند، چه شوهر توانایی بر دادن مهریه داشته باشد یا نه. اما اگر پیش از گرفتن مهریه به نزدیکی راضی شود و شوهر با او نزدیکی کند، دیگر نمی‌تواند بدون عذر شرعی از نزدیکی شوهر جلوگیری کند.

**مسأله:** اگر زن بخواهد از حق حبس خود استفاده نماید و ادعای عدم نزدیکی کند، در صورتی که مدتی هر چند کوتاه زیر یک سقف زندگی کرده‌اند، سخن زن پذیرفته نیست.

**مسأله:** اگر شوهر به اجبار نزدیکی کند و بکارت زن را از بین ببرد، حق حبس زن از بین نمی‌رود.

**مسأله:** زن نمی‌تواند رفتن به خانه شوهر را مشروط به دریافت مهریه کند، اما می‌تواند تا زمانی که مهریه خود را دریافت نکرده است، از نزدیکی کردن شوهر جلوگیری کند.

**مسأله:** در عقد ازدواج دائم، در صورتی که شوهر قادر به پرداخت مهریه به صورت یکجا نیست، مهریه را قسط بندی می‌کنند و زن باید با گرفتن اولین قسط تمکین کند و اگر تمکین نکند، ناشزه است و حق دریافت نفقه را ندارد و مرد می‌تواند ازدواج مجدد داشته باشد.

**مسئله:** اگر مرد قادر به پرداخت مهریه نباشد، شرعاً نمی‌توان او را زندانی کرد، بلکه مهریه باید قسط بندی شود و زن باید با دریافت اولین قسط، تمکین کند.

**مسئله:** هرگاه مرد در پرداخت مهریه به عُسر و حُرَج بیفتد، باید به صورت اقساط از او گرفت، به نحوی که حقّ زن نیز رعایت شود.

**مسئله:** در عقد ازدواج دائم، حقّ حبس با دریافت قسط اول مهریه برطرف می‌شود. اما اگر مرد در پرداخت اقساط مهریه کوتاهی کند، حقّ حبس برای زن باقی خواهد بود و زن می‌تواند هر بار که قسط مهریه‌اش را دریافت نکرد، تمکین نکند.

**مسئله:** در عقدنامه‌ها، مهریه را گاهی به صورت عندالمطالبه و گاهی به صورت عندالاستطاعه می‌نویسند که هر دو جایز است. اما باید توجه داشت از نظر اصول کلی، عندالمطالبه و عندالاستطاعه تفاوتی ندارد، زیرا عندالمطالبه نیز مشروط بر استطاعت است. البته در شرایط فعلی اگر به صورت عندالاستطاعه نوشته شود، بهتر است.

**مسئله:** اگر مرد در هنگام اجرای عقد ازدواج شرط کند که فقط در صورت توانایی مهریه را بپردازد، زن حق ندارد در صورت عدم توانایی شوهر مهریه‌اش را مطالبه کند.

**مسئله:** در عقد ازدواج دائم، اگر زن تمکین نکند و بدون اجازه شوهر از منزل خارج شود، حقّ دریافت نفقه را ندارد اما حقّ دریافت مهریه را دارد.

**مسئله:** اگر به خاطر ناتوانی مرد از نزدیکی، زن عقد ازدواج دائم را فسخ کند، مرد باید نصف مهریه را به زن بپردازد. ولی اگر به خاطر یکی دیگر از عیب‌هایی که باعث فسخ عقد ازدواج می‌شود مرد یا زن عقد ازدواج را فسخ کنند، اگر با هم نزدیکی نکرده

باشند مهریه به زن تعلق نمی‌گیرد ولی اگر نزدیکی کرده باشند، بنابر احتیاط واجب مرد باید تمام مهریه را به زن بپردازد.

**مسئله:** اگر عقد ازدواج دائم باطل باشد و نزدیکی صورت نگرفته باشد، مهریه به زن تعلق نمی‌گیرد، خواه مهریه قبلاً تعیین شده باشد یا نه.

**مسئله:** اگر عقد ازدواج دائم باطل باشد و نزدیکی صورت گرفته باشد، به زن مهرالمثل تعلق می‌گیرد، خواه مهریه قبلاً تعیین شده باشد یا نه.

**مسئله:** عقد ازدواج دائم بدون تعیین مهریه صحیح است و اگر مرد با زن نزدیکی کند، به زن مهرالمثل تعلق می‌گیرد.

مهرالمثل یعنی مهریه امثال آن زن در عرف و عادت.

اگر مهریه زن در هنگام عقد ازدواج با توافق زن و مرد تعیین شده باشد، به آن مهرالمسمی گویند.

**مسئله:** ظاهر این است که مهرالمثل حدّ معینی ندارد وگرنه مهرالمثل صدق نمی‌کند.

**مسئله:** معیار مهرالمثل این است که ببینند در عرف محل، چنین زنی با چنین شرایطی به تصدیق افراد آگاه معمولاً چقدر مهر دارد و اگر عرف محل از مسیر صحیح منحرف باشد، باید عرف محل‌های دیگر را در نظر گرفت.

**مسئله:** مهرالمثل در مواردی تحقق می‌یابد، به عنوان مثال اگر در هنگام عقد ازدواج دائم، مهریه تعیین نشود و یا مهریه‌ای حرام یا دروغین تعیین شود، پس از نزدیکی برای زن مهرالمثل تعیین می‌شود.



**مسأله:** تعیین مهریه سنگین حرام نمی باشد اما کار مناسبی نیست و اگر مردی مهریه همسرش را بقدری سنگین کرده باشد که آن را مهریه سفیهانه بدانند یا نشانه عدم قصد جدی نسبت به پرداخت آن است، عقد ازدواج صحیح است ولی مهریه باطل است و به زن مهرالمثل تعلق می گیرد.

**مسأله:** اگر مرد هنگام تعیین مهریه، به دروغ اموالی را که ندارد مهر زن کند و بر اساس آن عقد ازدواج دائم را بخوانند، عقد ازدواج صحیح است ولی مهریه باطل است و اگر نزدیکی کرده باشد، به زن مهرالمثل تعلق می گیرد.

**مسأله:** اگر مردی با زنی زنا کند و این عمل با اکراه زن صورت گرفته باشد، باید به زن مهرالمثل بپردازد ولی اگر زنا با رضایت زن بوده، مهریه به زن تعلق نمی گیرد.

**مسأله:** اگر چند نفر به یک زن تجاوز کرده باشند، هر کدام باید مهرالمثل جداگانه بپردازند.

**مسأله:** اگر بکارت دختری در اثر تصادف از بین برود، مهرالمثل به او تعلق می گیرد.

**مسأله:** ما فرقی بین مهرالمثل و ارش البکاره نمی گذاریم.

تفاوت مهریه دختر باکره و زنی که بکارت او زائل شده، ارش البکاره نامیده می شود.

**مسأله:** مهرالمثل عندالمطالبه است مگر اینکه شخص مدیون قدرت بر پرداخت نداشته باشد که در اینصورت باید به صورت اقساط از او گرفت.

**مسأله:** در عقد ازدواج دائم، اگر مرد از ابتدا قصد پرداخت مهریه را نداشته باشد، عقد ازدواج صحیح است و مرد باید مهریه را به زن بپردازد.

## مهریه در ازدواج موقت

**مسئله:** عقد ازدواج موقت بدون تعیین مهریه باطل است، ولی زن می‌تواند بعد از خوانده شدن صیغه عقد ازدواج موقت، مهریه‌اش را ببخشد.

**مسئله:** بخشیدن مهریه قبل از عقد ازدواج، معنا ندارد.

**مسئله:** در عقد ازدواج موقت، بعد از تمام شدن مدت یا بخشیده شدن مدت باقی مانده از طرف شوهر، مرد باید تمام مهریه را به زن بپردازد حتی اگر نزدیکی نکرده باشد.

**مسئله:** در صورت فسخ عقد ازدواج موقت توسط مرد، مرد باید تمام مهریه را به زن بپردازد، حتی اگر نزدیکی نکرده باشد. اما اگر زن خواهان فسخ عقد ازدواج موقت باشد، تنها به مقداری که آمادگی برای تمکین داشته، مستحق دریافت مهریه است.

**مسئله:** در عقد ازدواج موقت، حق حبس نیست و زن حتی اگر مهریه‌اش را نگرفته باشد، باید تا آخر مدت تمکین کند و بر مرد واجب است در اولین فرصت مهریه او را بپردازد.

**مسئله:** در عقد ازدواج موقت، تنها آن مقدار از زمان که زن تمکین کرده، پرداخت مهریه‌اش واجب است.

**مسئله:** در عقد ازدواج موقت، به هر مقداری که زن تمکین نکند به همان مقدار از مهریه او کاسته خواهد شد. مثلاً اگر زن فقط به اندازه نصف مدت تمکین کرده باشد، مهریه او نصف می‌شود.

**مسأله:** در عقد ازدواج موقت، اگر زن بدون اجازه شوهر به مسافرت برود و در هنگام عقد، مطلب را به اطلاع مرد نرسانده باشد، به همان اندازه از مهریه او کاسته خواهد شد.

**مسأله:** در عقد ازدواج موقت، اگر زن شرط کند که با او نزدیکی نشود اما مرد نزدیکی کند و یا به طریق دیگری پرده بکارت او را از بین ببرد، در صورت رضایت زن، همان مهرالمستی (مهریه تعیین شده) کفایت می کند و در صورت عدم رضایت زن، مرد باید مهرالمثل در فرض نزدیکی را بدهد.

**مسأله:** اگر عقد ازدواج موقت باطل باشد و نزدیکی صورت نگرفته باشد، مهریه به زن تعلق نمی گیرد، خواه مهریه قبلاً تعیین شده باشد یا نه.

**مسأله:** اگر عقد ازدواج موقت باطل باشد و نزدیکی صورت گرفته باشد، به زن مهرالمثل تعلق می گیرد، خواه مهریه قبلاً تعیین شده باشد یا نه.

**مسأله:** در عقد ازدواج موقت، اگر مرد از ابتدا قصد پرداخت مهریه را نداشته باشد، بنابر احتیاط واجب عقد ازدواج موقت باطل است.

## مهرالسُّنّه

**مسأله:** منظور از مهرالسُّنّه، مهریه حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام است که معروف است ۵۰۰ درهم نقره بوده است.

**مسأله:** مستحب است مقدار مهریه از مهرالسُّنّه بیشتر نگردد و نیز کمترین مقدار آن طوری باشد که در نظر عُرف دارای ارزش باشد.

**مسأله:** اگر زنی مهریه خود را مهرالسُّنّه قرار دهد، باید معادل آن را با پول رایج حساب کنند. اما اگر یکی یا هر دو نمی دانسته اند که مهرالسُّنّه معادل ۵۰۰ درهم نقره است، احتیاط واجب آن است که در مورد مقدار مهریه با هم مصالحه کنند.

**مسأله:** معیار قیمت مهرالسُّنّه، درهم سکه دار است و در شرایطی که درهم سکه دار وجود ندارد، باید فرض را بر این بگیریم که اگر نقره سکه دار و رایج وجود داشت، چه اندازه به قیمت آن افزوده می شد؟ سپس اضافه قیمت را به طور تقریبی حساب کنیم و بر آن بیفزائیم. و از آنجا که این حکم یک حکم استحبابی است، محاسبات تقریبی در آن ضرر ندارد.

### محاسبه مهرالسُّنّه به نرخ روز

مهرالسُّنّه حدود ۱۲۵۰ گرم نقره می‌باشد که با بدست آوردن قیمت هر گرم نقره، قیمت مهرالسُّنّه را به نرخ روز می‌توان حساب کرد.

قیمت نقره به دو صورت خام (شمش) و ساخته شده می‌باشد که قیمت جهانی هر گرم نقره خام حدود ۱۹۴۰ تومان و قیمت هر گرم نقره ساخته شده حداقل ۸۰۰۰ تومان می‌باشد.

اگر مهرالسُّنّه به صورت نقره خام محاسبه شود، مهرالسُّنّه حدود ۲۴۲۵۰۰۰ تومان می‌باشد.

اگر مهرالسُّنّه به صورت نقره ساخته شده محاسبه شود، مهرالسُّنّه حدود ۱۰۰۰۰۰۰۰ تومان می‌باشد.

این قیمت‌ها مربوط به آبان ۱۳۹۷ و با دلار ۴۲۰۰ تومانی محاسبه شده است.

## مدت عقد ازدواج موقت

**مسئله:** عقد ازدواج موقت، بدون تعیین مدت باطل است.

**مسئله:** عقد ازدواج موقت، مدت معینی ندارد و مقدار آن با توافق زن و مرد تعیین می‌شود. ولی بنا بر احتیاط واجب، مدت آن نباید از مقدار عمر زن و شوهر یا یکی از آنها بیشتر باشد، در غیر این صورت احتیاط واجب آن است که احکام عقد ازدواج دائم را بر آن جاری سازند.

**مسئله:** عقد ازدواج موقت طولانی مدت، حکم عقد ازدواج دائم را دارد.

**مسئله:** صیغه نود و نه ساله اشکالی ندارد، ولی در حکم ازدواج دائم است و تا صیغه طلاق خوانده نشود، در حکم زن و شوهر هستند.

**مسئله:** ازدواج موقت طلاق ندارد. هر زمان مدت عقد ازدواج موقت تمام شود یا شوهر مدت باقی مانده را به زن ببخشد، زن از قید همسری او رها می‌شود.

**مسئله:** برای بخشیدن مدت باقی مانده از عقد ازدواج موقت، کافی است مرد بگوید: باقی مانده مدت عقد ازدواج موقت را بخشیدم.

**مسئله:** بخشیدن مدت باقی مانده در دل کافی نیست و مرد باید به زبان بیاورد که مدت باقی مانده را بخشیده است.

**مسئله:** اگر مرد مدت باقی مانده را از طریق پیامک یا تلفن ببخشد، صحیح است.

**مسئله:** اگر مرد در عقد ازدواج موقت به زن بگوید: می‌توانی بروی ازدواج کنی، در حکم بخشیدن مدت باقی مانده است.

**مسئله:** اگر مرد مدّت باقی مانده را ببخشد، از نظر تأثیر بخشش لزومی ندارد به زن اطلاع دهد، ولی برای اینکه زن تکلیف خود را بداند، به او اطلاع دهد.

**مسئله:** در عقد ازدواج موقت، مرد می‌تواند فقط قسمتی از مدّت باقی مانده را نیز ببخشد. مثلاً سه ماه به پایان مدّت باقی مانده است و مرد دو ماه آن را ببخشد.

**مسئله:** مرد می‌تواند برای بخشش مدّت باقی مانده از زن پول دریافت کند، حتی بیشتر از مهریه، ولی بهتر است انصاف را رعایت کند.

**مسئله:** در عقد ازدواج موقت، زن و مرد می‌توانند با یکدیگر توافق کنند که زن از طرف شوهر وکیل باشد تا هر وقت خواست بقیّه مدّت را به خودش ببخشد.

**مسئله:** پایان یافتن مدّت عقد ازدواج موقت یا بخشیده شدن مدّت باقی مانده در ایّام عادت ماهانه زن مانعی ندارد، ولی این حیض او جزو عدّه محسوب نمی‌شود.

**مسئله:** هر گاه زن، کسی را وکیل کند که او را مثلاً برای ده روز به عقد موقت مردی درآورد و ابتدای آن را معین نکند، باید آغاز آن را از روز و ساعتی که عقد می‌کند قرار دهد.

**مسئله:** اگر زن و مرد در مورد مدّت باقی مانده با هم اختلاف داشته باشند، اگر دلیل خاصی وجود نداشته باشد، حرف کسی که ادّعای کمتری دارد پذیرفته می‌شود.

**مسئله:** زن و مردی که ازدواج موقت کرده‌اند، اگر بخواهند مدّت عقد ازدواج موقت را افزایش دهند، ابتدا باید مدّت عقد ازدواج موقت اول تمام شود و یا اینکه شوهر مدّت باقی مانده را به زن ببخشد، سپس بعد از تعیین مهریه و مدّت، صیغه عقد ازدواج موقت خوانده شود و نیازی به نگهداری عدّه از سوی زن نیست.

**مسئله:** در عقد ازدواج موقت، اگر زن دچار عُسر و حَرَج شدید باشد و مرد حاضر نباشد مدّت باقی مانده را به زن ببخشند، زن می‌تواند به حاکم شرع مراجعه کند و حاکم شرع مرد را ملزم به بخشش مدّت باقی مانده می‌کند و اگر مرد قبول نکند، حاکم شرع مدّت باقی مانده را به زن می‌بخشد و زن بعد از تمام شدن عدّه می‌تواند با شخص دیگری ازدواج کند.

منظور از حاکم شرع، قاضی و دادگاه می‌باشد.

**مسئله:** در عقد ازدواج موقت، اگر مرد ناپدید شده باشد، زن می‌تواند به حاکم شرع مراجعه کند و اگر به تشخیص حاکم شرع، زن دچار عُسر و حَرَج شدید شده باشد و راه حلّی نداشته باشد و به شوهر نیز دسترسی نباشد، حاکم شرع می‌تواند مدّت باقی مانده را به زن ببخشند و زن بعد از تمام شدن عدّه می‌تواند با شخص دیگری ازدواج کند.

**مسئله:** اگر مرد از روی عصبانیت یا مستی، در حالی که عقل و شعور خود را از دست داده مدّت باقی مانده را به زن ببخشند، صحیح نیست. ولی اگر این کار را از روی عقل و شعور انجام داده، صحیح است هر چند عصبانی بوده باشد.



## شرایط خواندن صیغه عقد ازدواج

**مسئله:** در عقد ازدواج دائم یا موقت، خوانده شدن صیغه عقد ازدواج لازم است و تنها راضی بودن زن و مرد کافی نیست.

**مسئله:** صیغه عقد ازدواج را خود زن و مرد می‌توانند بخوانند و یا دیگری را وکیل کنند که از طرف آنان بخواند.

**مسئله:** صیغه عقد ازدواج را به زبان فارسی هم می‌توان خواند، ولی باید لفظی بگویند که معنی همان صیغه عربی را بفهماند.

**مسئله:** احتیاط مستحب آن است که صیغه عقد ازدواج به عربی صحیح خوانده شود.

**مسئله:** گرفتن وکیل برای خواندن صیغه عقد ازدواج به زبان عربی واجب نیست.

**مسئله:** کسی که صیغه عقد ازدواج را می‌خواند باید عاقل و احتیاطاً بالغ باشد، هر چند از طرف دیگری وکیل باشد.

**مسئله:** کسی که دستور زبان عربی را نمی‌داند ولی کلمات عقد را صحیح ادا می‌کند و معنی آن را نیز می‌داند، می‌تواند صیغه عقد ازدواج را به عربی بخواند و عقد ازدواج صحیح است.

**مسئله:** کسی که معنای لفظ عربی صیغه عقد ازدواج را نمی‌داند، جایز نیست آن را بخواند، مگر آنکه معنای هر کلمه از عقد را جداگانه بداند و کلمات آن را صحیح ادا کند.

**مسئله:** صیغه عقد ازدواج باید صحیح خوانده شود و اگر طوری غلط بخوانند که معنی آن را عوض کند، عقد ازدواج باطل است اما اگر معنی عوض نشود اشکالی ندارد.

**مسئله:** اگر هنگام خواندن صیغه عقد ازدواج، نام پسر یا دختر به طور اشتباه خوانده شود اما مقصود معلوم باشد، عقد ازدواج صحیح است.

**مسئله:** ولی یا وکیل در هنگام اجرای صیغه عقد ازدواج، باید زن و شوهر را معین کند. بنابراین اگر کسی چند دختر دارد، نمی‌تواند به مردی بگوید: **زَوَّجْتُكَ اِخْدَى بَنَاتِي** (یکی از دخترانم را به همسری تو در آوردم).

**مسئله:** کسی که صیغه عقد ازدواج را می‌خواند باید قصد انشاء داشته باشد، یعنی قصدش این باشد که با گفتن این الفاظ، همسری در میان آن دو برقرار گردد. زن خود را همسر مرد قرار دهد و مرد این معنی را قبول کند، وکیل نیز باید چنین قصدی را داشته باشد.

**مسئله:** بین ایجاب و قبول، موالات باید رعایت شود.

**مسئله:** صیغه عقد ازدواج، شامل ایجاب و قبول است که به آنچه را که مربوط به زن است ایجاب و به آنچه را که مربوط به مرد است قبول گفته می‌شود.

**مسئله:** در هنگام خواندن صیغه عقد ازدواج، تقدّم ایجاب بر قبول لازم نیست ولی بخت است ایجاب مقدم شود.

**مسئله:** مرد می‌تواند به وکالت از طرف زن، صیغه عقد ازدواج را بخواند و زن را به عقد خود در آورد.

**مسئله:** احتیاط مستحب آن است که مرد نمی‌تواند از طرف زن وکیل شود تا او را برای خود به طور دائم یا موقت، عقد کند.

**مسئله:** زن هم می‌تواند به وکالت از طرف مرد، صیغه عقد ازدواج را بخواند و خود را به همسری مرد درآورد.

**مسئله:** وکالت مرد از طرف زن یا زن از طرف مرد، برای خواندن صیغه عقد ازدواج مانعی ندارد.

**مسئله:** زن هم می‌تواند از طرف زن و مرد وکیل شود و صیغه عقد ازدواج آنها را بخواند.

**مسئله:** احتیاط مستحب آن است که یک نفر از سوی دو همسر صیغه عقد ازدواج را نخواند، یعنی دو طرف عقد دو نفر باشند.

**مسئله:** احتیاط مستحب، تعدّد وکیل در اجرای صیغه عقد ازدواج است.

**مسئله:** خواندن صیغه عقد ازدواج توسط خود زن و مرد به صورت غیر حضوری اشکال دارد، بلکه باید حضوری خوانده شود.

**مسئله:** خواندن صیغه عقد ازدواج توسط خود زن و مرد از طریق تلفن یا اینترنت صحیح نیست، بلکه باید حضوری خوانده شود.

**مسئله:** اگر صیغه عقد ازدواج دائم توسط خود زن و مرد به صورت غیر حضوری خوانده شود، احتیاط واجب آن است که برای جدایی، صیغه طلاق با رعایت شرایط آن خوانده شود.

**مسئله:** اگر صیغه عقد ازدواج موقت توسط خود زن و مرد به صورت غیر حضوری خوانده شود، احتیاط واجب آن است که برای جدایی، مرد مدت باقی مانده را به زن ببخشد.

**مسئله:** اگر صیغه عقد ازدواج را وکیل بخواند، حضور زن و مرد در مجلسی که صیغه عقد ازدواج آنها توسط وکیل خوانده می‌شود، واجب نیست.

**مسئله:** اگر زن و مرد به کسی وکالت داده باشند تا صیغه عقد ازدواج آنها را بخواند، تا یقین نکنند که وکیل صیغه عقد ازدواج را خوانده، بر یکدیگر حلال نمی‌شوند. ولی اگر وکیل مورد اعتماد باشد و بگوید خوانده‌ام، کافی است.

**مسئله:** اگر عاقد سنی باشد و عروس و داماد هر دو شیعه باشند، در صورتی که شرایط صحت عقد ازدواج نزد شیعه رعایت شود، اشکالی ندارد و عقد ازدواج صحیح است.

**مسئله:** اگر خطبه عقد ازدواج مسلمان را کافر بخواند، خلاف احتیاط است.

**مسئله:** وکیل هنگام خواندن صیغه عقد ازدواج، باید طبق فتوای مرجع تقلید خودش عمل کند.

**مسئله:** اگر زن و مرد بخواهند دیگری را وکیل کنند که صیغه عقد ازدواج را بخواند، هر کدام باید جداگانه به وکیل اجازه دهند.

**مسئله:** اگر زن و مرد بخواهند دیگری را وکیل کنند که صیغه عقد ازدواج را بخواند، اظهار اجازه توسط زن و مرد واجب است و اجازه دادن با اشاره سر کافی نیست.

**مسئله:** برای عقد ازدواج هم‌زمان یک مرد با مثلاً چهار زن، می‌توان یک صیغه عقد ازدواج خواند و نیازی به خواندن چهار صیغه عقد ازدواج جداگانه نیست.

**مسئله:** خواندن صیغه عقد ازدواج در زمانی که زن در عادت ماهانه به سر می‌برد، اشکالی ندارد و عقد ازدواج صحیح است.

**مسئله:** زن و مردی که می‌خواهند ازدواج موقت کنند، اگر شرایط صحّت عقد ازدواج را رعایت کنند، خودشان می‌توانند صیغه عقد ازدواج موقت را بخوانند و رفتن به محضر واجب نیست.

**مسئله:** در عقد ازدواج دائم یا موقت، حضور شاهد واجب نیست. البته برای اینکه زن و مرد بعداً دچار مشکل نشوند، بهتر است صیغه عقد ازدواج در محضر خوانده شود.

**مسئله:** احتیاط مستحب آن است که در این ایام، عقد ازدواج موقت در محضر رسمی ثبت شود، خواه صیغه عقد ازدواج موقت را در محضر بخوانند یا در خارج محضر و بهتر است صیغه عقد ازدواج موقت را فرد عالمی بخواند که از تمام شرایط آن آگاه است.

**مسئله:** اگر زن و مردی ادعا کنند که صیغه عقد ازدواج موقت را خودشان خوانده‌اند، چنانچه متهم به دروغگویی و بی‌تقوایی نبوده و دلایلی بر دروغ بودن حرف آنها وجود نداشته باشد، حرف آنها را می‌توان قبول کرد.

**مسئله:** اگر زن و مرد صیغه عقد ازدواج موقت را بخوانند و بعد از آمیزش متوجه شوند که عقدشان به جهتی باطل بوده است، با توجه به اینکه به مسئله آگاه نبوده‌اند، عملشان زنا نبوده و بچه نیز حلال زاده است و اگر بخوانند به زندگی موقت ادامه دهند، باید دوباره صیغه عقد ازدواج موقت را بخوانند.

**مسئله:** اگر زن و مردی به مسائل شرعی آگاه نبوده و تصور می‌کرده‌اند که ازدواج نیاز به خواندن صیغه عقد ازدواج نداشته، فرزندان آنها نامشروع نبوده و ارتباطات زناشویی آنها تاکنون اشکال نداشته است. ولی از این پس باید فوراً صیغه عقد ازدواج را بخوانند

و تا قبل از خوانده شدن صیغه عقد ازدواج، هیچ گونه تماس زن و شوهری با هم نداشته باشند.

## صیغه عقد ازدواج موقت

**مسئله:** اگر زن و مرد خودشان بخواهند صیغه عقد ازدواج موقت را به زبان عربی بخوانند، پس از تعیین مهریه و مدت، ابتدا زن باید بگوید: *زَوَّجْتُكَ نَفْسِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ* (من خودم را به همسری تو در مدت معین با مهر معین در آوردم) و پس از آن مرد باید بلافاصله بگوید: *قَبِلْتُ* (قبول کردم).

**مسئله:** اگر زن و مرد خودشان بخواهند صیغه عقد ازدواج موقت را به زبان فارسی بخوانند، در این صورت پس از تعیین مهریه و مدت، ابتدا زن باید بگوید: من خودم را به همسری تو در مدت معین با مهر معین در آوردم. سپس مرد بلافاصله باید بگوید: قبول کردم.

**مسئله:** اگر مرد بخواهد به وکالت از طرف زن، صیغه عقد ازدواج موقت را به زبان عربی بخواند و زن را به عقد موقت خود در آورد، در این صورت پس از تعیین مهریه و مدت، مرد باید به وکالت از طرف زن بگوید: *أَنْكَحْتُ مُوَكَّلَتِي فُلَانُ* (به جای فُلَانُ نام کوچک زن ذکر شود) *فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ* (موکله خودم فُلَانُ را به ازدواج خودم در مدت معین با مهر معین در آوردم) سپس بلافاصله از طرف خودش باید بگوید: *قَبِلْتُ النِّكَاحَ لِنَفْسِي* (قبول کردم ازدواج را برای خودم).

**مسئله:** اگر مرد بخواهد به وکالت از طرف زن، صیغه عقد ازدواج موقت را به زبان فارسی بخواند و زن را به عقد موقت خود در آورد، در این صورت پس از تعیین مهریه و مدت، مرد باید به وکالت از طرف زن بگوید: موکله خودم فُلَانُ (به جای فُلَانُ نام

کوچک زن ذکر شود) را به ازدواج خودم در مدت معین با مهر معین در آوردم. سپس بلافاصله از طرف خودش باید بگوید: قبول کردم ازدواج را برای خودم.

**مسئله:** اگر برای خواندن صیغه عقد ازدواج موقت، دیگری را وکیل کنند، در این صورت پس از تعیین مهریه و مدت، ابتدا وکیل زن باید بگوید: مَتَّعْتُ مُوَكَّلَتِي مُوَكَّلَكَ فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ (موکله خودم را به ازدواج موکل تو در مدت معین با مهر معین در آوردم) و پس از آن وکیل مرد باید بلافاصله بگوید: قَبِلْتُ لِمُوَكَّلِي هَكَذَا (قبول کردم برای موکل خودم همینطور).



## صیغه عقد ازدواج دائم

**مسأله:** اگر زن و مرد خودشان بخواهند صیغه عقد ازدواج دائم را به زبان عربی بخوانند، ابتدا زن باید بگوید: *زَوَّجْتُكَ نَفْسِي عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ* (خودم را به همسری تو در آوردم به مهری که معین شده) و پس از آن مرد باید بلافاصله بگوید: *قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ* (قبول کردم این ازدواج را).

**مسأله:** اگر زن و مرد خودشان بخواهند صیغه عقد ازدواج دائم را به زبان فارسی بخوانند، در این صورت ابتدا زن باید بگوید: خودم را به همسری تو در آوردم به مهری که معین شده. سپس مرد بلافاصله باید بگوید: قبول کردم این ازدواج را.

**مسأله:** اگر مرد بخواهد به وکالت از طرف زن، صیغه عقد ازدواج دائم را به زبان عربی بخواند و زن را به عقد دائم خود در آورد، در این صورت مرد باید به وکالت از طرف زن بگوید: *أَنْكَحْتُ مُوَكَّلَتِي فُلَانًا* (به جای فُلَان نام کوچک زن ذکر شود) *نَفْسِي عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ* (موکله خودم فُلَان را به ازدواج خودم با مهر معین در آوردم) سپس بلافاصله از طرف خودش باید بگوید: *قَبِلْتُ النِّكَاحَ لِنَفْسِي* (قبول کردم ازدواج را برای خودم).

**مسأله:** اگر مرد بخواهد به وکالت از طرف زن، صیغه عقد ازدواج دائم را به زبان فارسی بخواند و زن را به عقد دائم خود در آورد، در این صورت مرد باید به وکالت از طرف زن بگوید: موکله خودم فُلَان (به جای فُلَان نام کوچک زن ذکر شود) را به ازدواج خودم با مهر معین در آوردم. سپس بلافاصله از طرف خودش باید بگوید: قبول کردم ازدواج را برای خودم.

**مسأله:** اگر برای خواندن صیغه عقد ازدواج دائم، دیگری را وکیل کنند، در این صورت ابتدا وکیل زن باید بگوید: **رَوَّجْتُ مُوَكَّلَتِي مُوَكَّلَكَ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ (موکله خودم را به همسری موکل تو با مهر معین درآوردم) و پس از آن وکیل مرد باید بلافاصله بگوید: قَبِلْتُ لِمُوَكَّلِي هَكَذَا (قبول کردم برای موکل خودم همینطور).**

## ازدواج های حرام

ازدواج در موارد زیر، حرام و باطل است:

۱. ازدواج اجباری بدون رضایت دختر یا پسر.
۲. ازدواج دختر باکره بدون اجازه پدر یا جد پدری اش.
۳. ازدواج موقت بدون تعیین مهریه و مدت.
۴. ازدواج با محارم.
۵. ازدواج با زن شوهردار.
۶. ازدواج با خواهرزن.
۷. ازدواج با خواهرزاده یا برادرزاده زن، بدون اجازه او.
۸. ازدواج با زن عده دار.
۹. ازدواج با خواهر، مادر و دختر لواط دهنده.
۱۰. ازدواج با کافر غیر کتابی.
۱۱. ارتداد همسر.
۱۲. ازدواج با اهل سنت در صورت احتمال انحراف عقیدتی.
۱۳. ازدواج در حال احرام.
۱۴. ازدواج دائم با زن پنجم.
۱۵. ازدواج دائم مرد با زنی که در عقد موقت اوست.
۱۶. ازدواج موقت مرد با زنی که در عقد دائم اوست.
۱۷. ازدواج با زن سه طلاقه بدون محلل.

۱۸. ازدواج با زن نُه طلاقه.
۱۹. ازدواج با خنثای مشکل.
۲۰. ازدواج با زن زناکار، پیش از توبه زن.
۲۱. ازدواج با دختر خاله در صورت زنا با خاله.
۲۲. ازدواج با دختر عمه در صورت زنا با عمه.
۲۳. ازدواج با افرادی که بیماری خطرناک و واگیردار دارند.
۲۴. ازدواج با فرزند خوانده.

## ازدواج با محارم

**مسأله:** محرم کسی است که ازدواج با او حرام است و نگاه به او اشکالی ندارد.

**مسأله:** زنان به مردان از سه راه محرم می‌شوند:

۱. نسب (خویشاوندی).

۲. رضاع (شیر دادن).

۳. سبب (ازدواج).

## محارم نسبی

**مسأله:** زنانی که از طریق نسب (خویشاوندی) به مردان محرم هستند، عبارتند از:

۱. مادر و مادر بزرگ.

۲. دختر و دختر فرزند (نوه).

۳. خواهر.

۴. دختر خواهر (خواهرزاده).

۵. دختر برادر (برادرزاده).

۶. عمه و خاله و عمه و خاله پدر و مادر.

**مسأله:** مردانی که از طریق نسب (خویشاوندی) به زنان محرم هستند، عبارتند از:

۱. پدر و پدر بزرگ.

۲. پسر و پسر فرزند (نوه).

۳. برادر.

۴. پسر برادر (برادرزاده).

۵. پسر خواهر (خواهرزاده).

۶. دایی و عمو و دایی و عموی پدر و مادر.

**مسأله:** اگر زنی از طریق زنا باردار شود، فرزند او به بستگان زن محرم است و اگر

شوهر و فرزند داشته باشد، به شوهر و فرزندان او نیز محرم است و خواهر و برادر

محسوب می‌شوند، ولی به بستگان شوهر نامحرم می‌باشد.

**مسأله:** زنازاده ارث نمی‌برد، ولی محرمیت و سایر آثار را دارد.

## محارم رضاعی

**مسأله:** هر گاه زنی کودکی را شیر دهد، با نه شرط سبب محرم شدن خواهد بود:

۱. شیر از ولادت باشد. بنابراین اگر پستان، بدون تولد فرزندی شیر پیدا کند و کودکی از آن بنوشد، سبب محرمیت نمی شود.

۲. بچه از زن زنده شیر بخورد. پس اگر پستان زن مرده‌ای را به دهان بگیرد و شیر بخورد، اثری ندارد.

۳. شیر آن زن از حرام نباشد. بنابراین اگر شیر بچه‌ای را که از زنا به دنیا آمده به بچه‌ای بدهند، به کسی محرم نمی شود.

۴. شیر را از پستان همکد. ولی احتیاط واجب آن است که اگر شیر را در گلوی بچه بریزند، با آن زن و محارم او ازدواج نکند.

۵. شیر را با چیز دیگر مخلوط نکنند.

۶. کودک به واسطه بیماری شیر را قی نکند. ولی احتیاط واجب آن است در این صورت کسانی که به واسطه شیر دادن به آن بچه محرم می شوند، با او ازدواج نکنند و نگاه محرمانه هم به او نمایند.

۷. کودک پانزده مرتبه یا یک شبانه روز به طوری که در مسأله بعد خواهد آمد، شیر کامل بخورد یا آن مقدار شیر به او بدهند که بگویند از آن شیر استخوانش محکم شده و گوشت در بدنش روییده است. و احتیاط مستحب آن است که اگر ده مرتبه شیر بخورد، کسانی که به واسطه شیر خوردن با او محرم می شوند، با او ازدواج نکنند و نگاه محرمانه نیز به او نمایند.

**مسئله:** در یک شبانه روز، کودک نباید غذا یا شیر زن دیگری را بخورد، مگر این که غذا به قدری کم باشد که به حساب نیاید. همچنین در بین پانزده مرتبه شیر خوردن نباید شیر زن دیگری را بخورد و در هر مرتبه باید به قدری بخورد که سیر شود و بنابر احتیاط، دو دفعه به طور ناقص نه دو دفعه حساب می شود و نه یک دفعه.

۸. شیر مربوط به یک شوهر باشد. بنابراین اگر زنی را که دارای شیر است طلاق بگیرد بعد شوهر دیگری کند و از او باردار شود و تا موقع وضع حمل، شیری که مربوط به شوهر اول داشته باقی بماند و مثلاً کودکی را هشت دفعه از شیر مربوط به شوهر اول و هفت دفعه از شیر مربوط به شوهر دوم شیر دهد، آن کودک به کسی محرم نمی شود. همچنین اگر زنی از شیر مربوط به شوهر اول، کودکی را به طور کامل شیر دهد و بعد از شیر مربوط به شوهر دوم کودک دیگری را شیر کامل دهد، آن دو کودک به یکدیگر محرم نمی شوند.

۹. دو سال کودک تمام نشده باشد. بنابراین بعد از تمام شدن دو سال، اگر به او شیر بدهند به کسی محرم نمی شود. حتی اگر پیش از تمام شدن دو سال، چهارده مرتبه و بعد از آن یک مرتبه شیر بخورد با کسی محرم نمی شود. ولی اگر از موقع زاییدن زن بیش از دو سال گذشته باشد و شیر او باقی باشد و بچه ای را شیر دهد، احتیاط واجب آن است که با زنانی که به واسطه شیر خوردن با او محرم می شوند ازدواج نکند و نگاه محرمانه هم ننماید.



**مسأله:** اگر زنی پسر بچه‌ای را با رعایت شرایط نه گانه شیر دهد، کسانی که به واسطه

شیر خوردن به آن پسر محرم می‌شوند عبارتند از:

۱. خود آن زن و او را مادر رضاعی گویند.
  ۲. مادر آن زن و هر چه بالا روند، اگر چه مادر رضاعی او باشند.
  ۳. مادر شوهر آن زن که شیر مربوط به او است و هر چه بالا روند.
  ۴. دخترانی که از آن زن به دنیا آمده‌اند یا به دنیا می‌آیند.
  ۵. دختران اولاد آن زن و هر چه پایین روند، چه از اولاد او به دنیا آمده یا اولاد او آنها را شیر داده باشند.
  ۶. دختران شوهر آن زن که شیر مربوط به اوست و هر چه پایین روند، اگر چه دختران رضاعی او باشند.
  ۷. خواهران آن زن، اگر چه رضاعی باشند.
  ۸. خواهران شوهری که شیر مربوط به اوست، اگر چه خواهران رضاعی او باشند.
  ۹. خاله‌ها و عمه‌های آن زن و هر چه بالا روند، اگر چه رضاعی باشند.
  ۱۰. خاله‌ها و عمه‌های شوهری که شیر مربوط به اوست و هر چه بالا روند، اگر چه رضاعی باشند.
- همچنین عده دیگری که در مسائل بعد گفته می‌شود، به واسطه شیر دادن محرم می‌شوند.

- مسأله:** اگر زنی دختر بچه‌ای را با رعایت شرایط نه گانه شیر دهد، کسانی که به واسطه شیر خوردن به آن دختر محرم می‌شوند عبارتند از:
۱. شوهر آن زن که شیر مربوط به اوست و او را پدر رضاعی گویند.
  ۲. پدر آن زن و هر چه بالا روند، اگر چه پدر رضاعی او باشند.
  ۳. پدر شوهر آن زن که شیر مربوط به او است و هر چه بالا روند.
  ۴. پسرانی که از آن زن به دنیا آمده‌اند یا به دنیا می‌آیند.
  ۵. پسران اولاد آن زن و هر چه پایین روند، چه از اولاد او به دنیا آمده یا اولاد او آنها را شیر داده باشند.
  ۶. پسران شوهر آن زن که شیر مربوط به اوست و هر چه پایین روند، اگر چه پسران رضاعی او باشند.
  ۷. برادران آن زن، اگر چه رضاعی باشند.
  ۸. برادران شوهری که شیر مربوط به اوست، اگر چه برادران رضاعی او باشند.
  ۹. عموها و دایی‌های آن زن و هر چه بالا روند، اگر چه رضاعی باشند.
  ۱۰. عموها و دایی‌های شوهری که شیر مربوط به اوست و هر چه بالا روند، اگر چه رضاعی باشند.
- همچنین عده دیگری که در مسائل بعد گفته می‌شود، به واسطه شیر دادن محرم می‌شوند.

**مسأله:** شیر دادنی که علّت محرم شدن است به دو چیز ثابت می‌شود:

اول: خبر دادن عده‌ای که انسان از گفته آنها یقین پیدا کند.

دوم: شهادت دو مرد عادل یا چهار زن عادل، بلکه احتیاط واجب آن است که به شهادت یک مرد یا یک زن هم اکتفا کرد. ولی شاهدها باید شرایط شیر دادن را هم بگویند، مثلاً بگویند ما دیده‌ایم که فلان بچه پانزده بار از پستان فلان زن با رعایت شرایط نه گانه، شیر کامل خورده است و اگر بدانیم همه آنها شرایط را می‌دانند و در آن توافق دارند، شرح دادن آن لازم نیست.

**مسأله:** هر گاه ندانند آیا کودک به مقداری که سبب محرم شدن است شیر خورده یا نه، محرم بودن ثابت نمی‌شود بلکه برای محرمیت باید یقین حاصل شود.

**مسأله:** کسانی که از راه رضاع (شیر دادن) به انسان محرم می‌شوند، همان‌هایی هستند که از راه نسب (خویشاوندی) محرم هستند. مانند: پدر، مادر، خواهر، برادر، فرزند، عمو، دایی، عمّه و خاله رضاعی و نیز مانند: مادرزن رضاعی و دخترزن رضاعی و زن پدر رضاعی و زن پسر رضاعی.

**مسأله:** هر گاه زنی از شیر مربوط به یک شوهر چندین بچه را شیر دهد، همه آنان به یکدیگر و به شوهر و زنی که آنان را شیر داده محرم می‌شوند. همچنین اگر کسی دارای چند همسر است و هر کدام از آنان بچه‌ای را شیر کامل دهند، آن بچه‌ها به یکدیگر و به آن مرد و به همه آن زنان محرم می‌شوند.

**مسأله:** اگر زنی از شیر مربوط به یک شوهر، دختر و پسری را شیر کامل دهد، آن دختر و پسر به هم محرم می‌شوند ولی خواهر و برادر آنها به یکدیگر محرم نمی‌شوند.

**مسئله:** اگر کودکی با رعایت شرایط نه گانه از زنی شیر بخورد، آن کودک نسبت به تمام فرزندان آن زن محرم است. ولی خواهران و برادران آن کودک می‌توانند با فرزندان آن زن ازدواج کنند.

**مسئله:** هرگاه زنی کودکی را با رعایت شرایط نه گانه شیر دهد، به برادرهای آن بچه محرم نمی‌شود. همچنین خویشان آن زن به برادران و خواهران بچه‌ای که شیر خورده محرم نمی‌شوند.

**مسئله:** هرگاه زنی کودکی را با رعایت شرایط نه گانه شیر دهد، شوهر آن زن که شیر مربوط به اوست، به خواهران آن بچه محرم نمی‌شود ولی احتیاط مستحب آن است که با آنان ازدواج نکند. همچنین خویشان شوهر با خواهران و برادران آن بچه محرم نمی‌شوند.

**مسئله:** دختری را که زن شیر داده بر شوهر او حرام است، به شرط اینکه با آن زن نزدیکی کرده باشد.

**مسئله:** مرد نمی‌تواند با مادر رضاعی زن خود ازدواج کند، زیرا در حکم مادرزن اوست.

**مسئله:** پسر نمی‌تواند با دختری که مادر یا مادر بزرگ او آن دختر را شیر کامل داده، ازدواج کند. همچنین اگر زن پدر (نامادری) از شیر مربوط به پدر او دختری را شیر داده باشد، پسر نمی‌تواند با آن دختر ازدواج کند.

**مسئله:** احتیاط مستحب آن است که زن، بچه دختر خود را شیر کامل ندهد، همچنین بچه‌ای را که شوهر دخترش از زن دیگر دارد.

**مسئله:** مانعی ندارد که زن، نوه پسر خود را شیر دهد.

**مسئله:** نوه‌های مادر رضاعی بر شیرخوار محرم هستند.

**مسئله:** اگر زنی نوۀ دختری خود را با رعایت شرایط نُه گانه شیر دهد، پدر آن کودک نمی‌تواند با خالۀ آن کودک (خواهرزن) ازدواج کند.

**مسئله:** ازدواج پسر زن شیرده با مادر کودک شیرخوار، مانعی ندارد.

**مسئله:** هر گاه زنی بچۀ شیرخواری را با رعایت شرایط نُه گانه شیر دهد، پدر آن بچۀ نمی‌تواند با دخترهایی که از آن زن به دنیا آمده‌اند ازدواج کند و نیز بنا بر احتیاط واجب نمی‌تواند دختر شوهری را که شیر مربوط به اوست به ازدواج خود درآورد، بلکه احتیاط واجب آن است که با دخترهای رضاعی او نیز ازدواج نکند. ولی ازدواج با دخترهای رضاعی آن زن از شوهر دیگر مانعی ندارد.

**مسئله:** اگر زنی برادر کسی را شیر دهد، به او محرم نمی‌شود ولی احتیاط مستحب آن است که با او ازدواج نکند.

**مسئله:** اگر زنی بچۀهای خواهر خود را شیر دهد، به پدر بچۀهای شیرخوار محرم نمی‌شود ولی فرزندان این زن با پدر بچۀهای شیرخوار محرم هستند.

**مسئله:** انسان با دختری که خواهرش یا زن برادر او از شیر مربوط به برادرش او را شیر کامل داده باشد، محرم است و نمی‌تواند با او ازدواج کند. همچنین اگر خواهرزاده یا برادرزاده یا نوۀ خواهر یا نوۀ برادر انسان به دختری شیر داده باشد، آن دختر به این شخص محرم است و نمی‌تواند با او ازدواج کند.

**مسئله:** اگر زنی دختر برادر شوهر خود را شیر دهد، آن دختری که شیر زن برادر را خورده، نسبت به تمام فرزندان آن زن محرم است ولی سایر فرزندان آن دو برادر می‌توانند با هم ازدواج کنند.

**مسأله:** اگر شخصی از زنی شیر خورده باشد و این زن پس از فوت شوهرش، شوهر دیگری انتخاب نموده و از هر دو شوهر دارای فرزندان باشد، فرزندان که این زن از هر دو شوهر دارد بر آن شخص محرم هستند و فرزندان این زن که از شوهر دوم دارد نمی‌توانند با فرزندان این شخص که از خانم مذکور شیر خورده ازدواج کنند.

**مسأله:** اگر زنی دختر عمّه یا دختر خاله کسی را شیر دهد، به او محرم نمی‌شود ولی احتیاط مستحب آن است که با او ازدواج نکند.

**مسأله:** ازدواج عمومی کودک شیرخوار با دختر زن شیرده، مانعی ندارد.

**مسأله:** مردی که دو همسر دارد، اگر یکی از آن دو همسر، فرزند عمومی زن دیگر را شیر دهد، زنی که فرزند عمومی او شیر خورده، به شوهر خود حرام نمی‌شود.

**مسأله:** زن می‌تواند بدون اجازه شوهر، بچّه دیگری را شیر دهد به شرط آنکه حق شوهر از بین نرود. ولی جایز نیست بچّه‌ای را شیر دهد که به واسطه شیر دادن آن بچّه، نسبت به شوهر خود حرام شود.

**مسأله:** کسانی که به واسطه شیر خوردن با یکدیگر خویشاوند می‌شوند، مستحب است یکدیگر را احترام کنند ولی حقوق خویشاوندی ندارند و از یکدیگر ارث نمی‌برند.

**مسأله:** مستحب است در صورت امکان، بچّه را دو سال تمام شیر دهند.

**مسأله:** شیر دادن به طفل بعد از دو سالگی حرام نیست.

**مسأله:** هیچ کس برای شیر دادن فرزند، بهتر و سزاوارتر از مادر نیست و بهتر است در برابر شیر دادن، مزدی از شوهر خود نگیرد ولی حق دارد بگیرد. و اگر مادر بخواهد بیشتر از دایه مزد بگیرد، شوهر می‌تواند بچّه را از او گرفته به دایه بدهد.

**مسأله:** در روایات آمده است دایه‌ای را باید برای طفل انتخاب کرد که دارای عقل و ایمان و عفت و صورت نیکو باشد و از گرفتن دایه کم عقل یا غیر مؤمنه یا بد صورت و کج خلق یا زنازاده خودداری شود و همچنین از انتخاب دایه‌ای که بچه او از زنا به دنیا آمده و شیرش شیر زنازاده است پرهیز شود.

**مسأله:** بهتر است زن‌ها هر بچه‌ای را شیر ندهند، زیرا ممکن است فراموش کنند به چه کسانی شیر داده‌اند و بعداً دو نفر محرم با یکدیگر ازدواج کنند. مخصوصاً در این ایام که با وجود امکان استفاده از شیر خشک و امثال آن، کمتر ضرورتی برای شیر دادن به بچه‌های دیگر وجود دارد.

**مسأله:** اگر زنی از شیر مربوط به شوهر خود، کسانی را که در زیر گفته می‌شود شیر دهد، شوهرش بر او حرام نمی‌شود ولی بهتر است این کار را نکند:

۱. برادر و خواهر خودش.
۲. عمو و عمّه و دایی و خاله خودش.
۳. عموزاده و دایی‌زاده خودش.
۴. برادرزاده خودش.
۵. برادر شوهر یا خواهر شوهر خودش.
۶. خواهرزاده خودش یا خواهرزاده شوهرش.
۷. عمو و عمّه و دایی و خاله شوهرش.
۸. نوه زن دیگر شوهر.

## محارم سببی

**مسأله:** زنانی که از طریق سبب (ازدواج) به مرد محرم می‌شوند، عبارتند از:

۱. همسر.

۲. دختر همسر از شوهر دیگر و هر چه پایین روند.

۳. مادر همسر و مادر بزرگ همسر.

۴. زن پسر (عروس).

۵. زن پدر (نامادری).

**مسأله:** مردانی که از طریق سبب (ازدواج) به زن محرم می‌شوند، عبارتند از:

۱. شوهر.

۲. پسر شوهر از زن دیگر و هر چه پایین روند.

۳. پدر شوهر و پدر بزرگ شوهر.

۴. شوهر دختر (داماد).

۵. شوهر مادر (ناپدري).

**مسأله:** هر گاه مردی با زنی ازدواج کند، هر چند با او نزدیکی نکرده باشد، مادر آن

زن و هر چه بالا روند و مادر پدر آن زن و هر چه بالا روند به آن مرد محرم می‌شوند.

ولی دختران زن و نوۀ دختری و پسری آن زن در صورتی به آن مرد محرم می‌شوند که با

آن زن نزدیکی کرده باشد.

**مسأله:** اگر زنی با مردی که دارای فرزند پسر است ازدواج کند، پسران آن مرد و هر

چه پایین روند به آن زن محرم هستند، حتی اگر نزدیکی نکرده باشند.



**مسأله:** پس از ازدواج زن، پدر شوهر و هر چه بالا روند و پسران آن مرد و هر چه پایین روند، به آن زن محرم می‌شوند. چه قبل از عقد ازدواج متولّد شده باشند یا بعد از عقد ازدواج.

**مسأله:** هر گاه کسی دختری را برای پسر خود عقد کند، خودش می‌تواند با مادر آن دختر ازدواج کند. همچنین اگر اوّل خودش با مادر آن دختر ازدواج کرده، می‌تواند آن دختر را برای پسر خود بگیرد.

**مسأله:** اگر پدر با زن دیگری ازدواج کند، فقط خود آن زن به پسر آن مرد محرم می‌شود.

**مسأله:** اگر زنی پسری داشته باشد و با مرد همسر دار ازدواج کند، پسر او به زن آن مرد محرم نمی‌باشد.

**مسأله:** یکی از محارم سببی، ربیبه است. ربیبه به دختر زن انسان که از شوهر دیگر است گفته می‌شود، خواه از شوهر قبل باشد و یا از شوهر بعد. اگر زن انسان طلاق بگیرد و شوهر جدید اختیار کند و از او دختر دار شود، آن دختر ربیبه شوهر قبل محسوب می‌شود. البته محرمیت ربیبه مشروط به این است که انسان با مادر او نزدیکی کرده باشد.

**مسأله:** پدر شوهر به دختر زن (ربیبه فرزند)، محرم نیست.

**مسأله:** پسران زن دوّم به زن اوّل که قبلاً عقد موقت بوده، محرم هستند.

**مسأله:** پسران زن دوّم به زن اوّل که طلاق گرفته است، محرم هستند.

**مسأله:** فرزندان زن اوّل بر پدر و مادر زن دوّم و بالعکس، محرم نیستند.

**مسأله:** دامادهای مرد از زن اوّل، به زن دوّم او نامحرم هستند.

**مسأله:** تنها عروس خود مرد یعنی همسر پسرش بر او محرم است و اگر همسر مرد پسری از شوهر دیگر داشته است، همسر آن پسر (عروس) به آن مرد (ناپدری) محرم نیست.

**مسأله:** پدر نامادری و پدر ناپدری دختر، نامحرم هستند.

**مسأله:** مادر نامادری و مادر ناپدری پسر، نامحرم هستند.

**مسأله:** ازدواج مرد با نوۀ خواهر ناتنی خودش جایز نیست.

**مسأله:** اگر مردی با زنی (نَعُوذُ بِاللَّهِ) زنا کرده باشد، ازدواج او با دختر آن زن مانعی ندارد.

## ازدواج با زن شوهردار

**مسئله:** ازدواج با زن شوهردار حرام است، خواه ازدواج دائم باشد یا موقت.

**مسئله:** اگر مردی با زنی ازدواج کند، آن گاه معلوم شود که زن شوهر دارد، عقد ازدواج باطل است و مرد باید از او جدا شود و نیاز به طلاق هم ندارد.

**مسئله:** هر گاه کسی بداند زنی شوهر دارد و بداند ازدواج با زن شوهردار جایز نیست و او را برای خود عقد کند، باید از او جدا شود و بعداً هم اگر آن زن از شوهرش طلاق بگیرد، بنا بر احتیاط واجب نمی‌تواند با او ازدواج کند هر چند با او نزدیکی نکرده باشد.

**مسئله:** اگر مردی با زنی که شوهر دارد ازدواج کند، چنانچه هر دو نمی‌دانسته‌اند ازدواج با زن شوهردار حرام است، اگر مرد نزدیکی کرده باشد آن زن بر او حرام ابدی می‌شود ولی اگر نزدیکی نکرده باشد، فقط عقد ازدواج باطل است و پس از جدایی آن زن از شوهرش و نگهداری عده، می‌تواند با یکدیگر ازدواج کنند.

**مسئله:** اگر مردی با زنی که شوهر دارد ازدواج کند، در حالی که هر دو نمی‌دانسته‌اند که ازدواج با زن شوهردار حرام است، با توجه به اینکه زن و مرد از مسئله آگاهی نداشته‌اند، عمل آنها زنا محسوب نمی‌شود.

**مسئله:** ازدواج مرد با زن شوهردار در دو صورت موجب حرام ابدی می‌شود: یکی آنکه ازدواج و نزدیکی کند هر چند از روی جهل باشد، دوم آنکه آگاهانه ازدواج کند هر چند نزدیکی ننماید.

حرام ابدی یعنی اینکه اگر آن زن از شوهرش طلاق بگیرد و یا اینکه شوهر آن زن فوت کند، نمی‌توانند با هم ازدواج کنند.

**مسئله:** اگر مردی با زنی که شوهر دارد ازدواج کند، اگر عقد را وکیل آنها خوانده باشد نه خودشان، در هیچ یک از دو صورت حرام ابدی حاصل نمی‌شود و پس از جدایی آن زن از شوهرش و نگهداری عده، می‌توانند با یکدیگر ازدواج کنند.

**مسئله:** اگر مردی با زنی ازدواج کند و کسی بگوید آن زن شوهر دارد ولی خود زن بگوید شوهر ندارم و شرعاً هم ثابت نشود، باید حرف زن را قبول کرد. ولی اگر فرد مورد اعتمادی تصدیق کند که آن زن شوهر دارد، احتیاط واجب آن است که او را طلاق دهد.

**مسئله:** اگر زنی بگوید که شوهر ندارد، می‌توان حرف او را قبول کرد و برای ازدواج با او لازم نیست پرس و جو و تحقیق کنیم که زن شوهر دارد یا نه، مگر اینکه زن مورد اِثِّام باشد.

**مسئله:** اگر مردی با زن شوهردار (نَعُوذُ بِاللَّهِ) زنا کند سپس آن زن از شوهرش طلاق بگیرد، بنا بر احتیاط واجب نمی‌تواند با او ازدواج کند. ولی اگر حکم را نمی‌دانسته و ازدواج کرده‌اند، می‌توانند به زندگی خود ادامه دهند.

**مسئله:** اگر مردی با زن شوهردار (نَعُوذُ بِاللَّهِ) زنا کند و سپس شوهر آن زن فوت کند، بعد از عده وفات می‌تواند با او ازدواج کند. البته باید به صورت جدی از گناه خود توبه نمایند و با اعمال نیک آینده، گذشته را جبران کنند.

**مسأله:** زن شوهردار اگر (نَعُوذُ بِاللَّهِ) زنا دهد، بر شوهر خود حرام نمی شود ولی چنانچه توبه نکند و بر عمل خود باقی باشد، بهتر است شوهرش او را طلاق دهد، اما مهریه اش را باید بدهد و اگر مشهور به زنا شود، احتیاط واجب طلاق دادن اوست.

**مسأله:** اگر مردی با زن شوهردار (نَعُوذُ بِاللَّهِ) زنا کند، برای توبه کردن لازم نیست به شوهر آن زن بگوید، بلکه باید در پیشگاه خدا توبه حقیقی کند.

**مسأله:** اگر مردی زن شوهرداری را فریب دهد که از شوهرش طلاق بگیرد و با او ازدواج کند، طلاق و ازدواج آن زن صحیح است، ولی هر دو مرتکب گناه بزرگی شده اند.

## ازدواج با خواهرزن

**مسئله:** مرد نمی‌تواند به طور هم‌زمان با دو خواهر اگر چه خواهر رضاعی باشند، ازدواج کند.

**مسئله:** ازدواج مرد با خواهرزن تا زمانی که خواهرش در عقد اوست، حرام است.

**مسئله:** اگر مردی دو زن را عقد کند بعد بفهمد خواهر بوده‌اند، عقد ازدواج اولی صحیح و دومی باطل است و اگر عقد ازدواج در یک زمان بوده، هر دو باطل است.

**مسئله:** اگر مردی همسرش را طلاق دهد و بخواهد با خواهر او ازدواج کند، اگر طلاق رجعی است تا هنگامی که همسرش در عده به سر می‌برد، نمی‌تواند با خواهر او ازدواج کند.

**مسئله:** اگر مرد همسرش را قبل از نزدیکی، طلاق رجعی دهد، بلافاصله می‌تواند با خواهر او ازدواج کند.

**مسئله:** در طلاق بائن، مرد می‌تواند بلافاصله با خواهرزن ازدواج کند. ولی احتیاط مستحب آن است که مرد در عده طلاق بائن، با خواهرزن ازدواج نکند.

**مسئله:** در عقد ازدواج موقت، بعد از تمام شدن مدت یا بخشیده شدن مدت باقی‌مانده از طرف شوهر، مرد بلافاصله می‌تواند با خواهرزن ازدواج کند. ولی احتیاط مستحب آن است که مرد در عده ازدواج موقت، با خواهرزن ازدواج نکند.

**مسئله:** اگر زن فوت کند، مرد می‌تواند بلافاصله با خواهرزن ازدواج کند.

## ازدواج با خواهرزاده یا برادرزاده زن، بدون اجازه او

**مسئله:** مرد نمی‌تواند بدون اجازه زن خود، با خواهرزاده یا برادرزاده نسبی یا رضاعی او ازدواج کند. ولی اگر بدون اجازه آنها را عقد نماید بعد اجازه دهد، عقد ازدواج صحیح است و در صورت عدم رضایت، عقد ازدواج باطل است و نیازی به طلاق هم ندارد.

**مسئله:** اگر مرد همسرش را طلاق رجعی دهد، بعد از تمام شدن عدّه می‌تواند بدون اجازه همسر سابقش، با خواهرزاده یا برادرزاده او ازدواج کند.

**مسئله:** اگر مرد همسرش را قبل از نزدیکی، طلاق رجعی دهد، بلافاصله می‌تواند بدون اجازه همسر سابقش، با خواهرزاده یا برادرزاده او ازدواج کند.

**مسئله:** مرد می‌تواند در عدّه طلاق بائن و عدّه ازدواج موقت، بدون اجازه همسر سابقش، با خواهرزاده یا برادرزاده او ازدواج کند.

## ازدواج با زن عدّه دار

عدّه، مدّت زمانی است که زن حق ندارد ازدواج کند.

زن در موارد زیر باید عدّه نگه دارد:

۱. بعد از طلاق. (در صورتی که نزدیکی صورت گرفته باشد)
۲. بعد از تمام شدن مدّت عقد ازدواج موقت یا بخشیده شدن مدّت باقی مانده از طرف شوهر. (در صورتی که نزدیکی صورت گرفته باشد)
۳. بعد از فسخ یا انفساخ عقد ازدواج. (در صورتی که نزدیکی صورت گرفته باشد)
۴. بعد از مرگ شوهر. (حتّی اگر نزدیکی صورت نگرفته باشد)
۵. بعد از زنا.
۶. بعد از وطی به شُبّه.

**مسأله:** ازدواج با زنانی که عدّه را رعایت نمی کنند، بنا بر احتیاط واجب حرام است.

**مسأله:** فرقی بین ازدواج دائم و موقت و بین مدّت طولانی و کوتاه نیست. در هر حال اگر نزدیکی انجام گرفته و زن نیز به سن یائسگی نرسیده، باید عدّه نگه دارد.

**مسأله:** مرد باید حدّ اقل به اندازه ختنه گاه دُخول کرده باشد تا نزدیکی صدق کند.

**مسأله:** زنی که از پشت (دُبُر) با او نزدیکی شده است، باید عدّه نگه دارد.

**مسأله:** رعایت عدّه برای همه زنان اعم از مسلمان و اهل کتاب لازم است و اگر احتمال دهیم که عدّه نگه می دارند، کافی است.

**مسأله:** اگر زن یهودی یا مسیحی به عقد ازدواج مرد مسلمان درآید و با او نزدیکی شود، باید عدّه نگه دارد.



**مسأله:** ازدواج با زنان مسیحی یا یهودی که در عده به سر می‌برند و به عده اعتقاد ندارند، جایز نیست.

**مسأله:** زنانی که با استفاده از دارو (خوراکی یا تزریقی) یا با استفاده از وسایل جلوگیری از بارداری مانند کاندوم از بارداری جلوگیری می‌کنند، باز هم باید عده نگه دارند.

**مسأله:** زنانی که نازا هستند یا رحمشان را با جراحی بیرون آورده‌اند یا لوله‌های رحم خود را بسته‌اند و بچه‌دار نمی‌شوند، باز هم باید عده نگه دارند.

**مسأله:** اگر زنی در دوران عده با خوردن قرص زودتر حیض ببیند، به شرط اینکه مصرف قرص ضرر مهمی نداشته باشد، اشکالی ندارد.

**مسأله:** اگر نگهداری چند عده بر یک زن واجب شده باشد، طولانی‌ترین عده را باید نگه دارد و نیازی به نگه داشتن عده‌های متعدد نیست.

**مسأله:** اگر زنی بگوید عده‌اش تمام شده است، سخن او پذیرفته است و برای ازدواج با او لازم نیست پرس و جو و تحقیق کنیم که زن در عده هست یا نه، مگر اینکه زن مورد اتهام باشد. البته در صورتی گفتار زن پذیرفته است که از طلاق یا مرگ شوهرش به قدری گذشته باشد که در آن مدت، تمام شدن عده ممکن باشد.

**مسأله:** اگر مردی با زنی که در عده دیگری است ازدواج کند، خواه عده طلاق باشد یا عده ازدواج موقت یا عده وفات یا عده زن باردار یا عده وطی به شبهه، چنانچه مرد و زن یا یکی از آنان بدانند زن در عده است و نیز بدانند عقد کردن زن در عده حرام است، آن زن بر آن مرد حرام ابدی می‌شود، خواه نزدیکی کرده باشد یا نه.

**مسأله:** اگر مردی با زنی که در عده دیگری است ازدواج کند، چنانچه هر دو نمی- دانسته‌اند زن در عده است یا نمی‌دانسته‌اند عقد کردن زن در عده حرام است، اگر مرد نزدیکی کرده باشد، آن زن بر او حرام ابدی می‌شود ولی اگر نزدیکی نکرده باشد، تنها عقد ازدواج باطل است و پس از پایان عده می‌توانند با یکدیگر ازدواج کنند.

**مسأله:** اگر مردی با زنی که در عده دیگری است ازدواج کند، در حالی که هر دو نمی‌دانسته‌اند که ازدواج با زن عده‌دار حرام است، با توجه به اینکه زن و مرد از مسئله آگاهی نداشته‌اند، عمل آنها زنا محسوب نمی‌شود.

**مسأله:** ازدواج مرد با زن عده‌دار در دو صورت موجب حرام ابدی می‌شود: یکی آنکه ازدواج و نزدیکی کند هر چند از روی جهل باشد، دوم آنکه آگاهانه ازدواج کند هر چند نزدیکی ننماید.

**مسأله:** اگر مردی با زنی که در عده دیگری است ازدواج کند، اگر صیغه عقد ازدواج را وکیل آنها خوانده باشد نه خودشان، در هیچ یک از دو صورت حرام ابدی حاصل نمی‌شود و پس از پایان عده می‌توانند با یکدیگر ازدواج کنند.

**مسأله:** اگر مردی با زنی که در عده طلاق است (نَعُوذُ بِاللَّهِ) زنا کند، بنابر احتیاط واجب آن زن بر او حرام ابدی می‌شود، خواه طلاق رجعی باشد یا غیر رجعی، ولی اگر حکم را نمی‌دانسته و ازدواج کرده‌اند، می‌توانند به زندگی خود ادامه دهند.

**مسأله:** اگر مردی با زنی که در عده ازدواج موقت است (نَعُوذُ بِاللَّهِ) زنا کند، آن زن بر او حرام ابدی نمی‌شود و پس از پایان عده می‌توانند با یکدیگر ازدواج کنند.

## عده طلاق

**مسئله:** ابتدای شروع عده طلاق از آن موقعی است که صیغه طلاق خوانده می‌شود، خواه زن بداند یا نداند. حتی اگر بعد از تمام شدن مدت عده بفهمد او را طلاق داده‌اند، لازم نیست دوباره عده نگه دارد.

**مسئله:** اگر زن عادت ماهانه می‌بیند، بعد از آنکه در پاکی طلاق داده شد، احتیاط واجب آن است که به مقداری صبر کند که دوبار حیض ببیند و پاک شود، هنگامی که حیض سوم را دید عده او تمام است.

**مسئله:** اگر زن عادت نمی‌بیند ولی در سنّ زنانی است که عادت می‌بینند، باید بعد از طلاق، سه ماه عده نگه دارد.

**مسئله:** منظور از سه ماه آن است که اگر اول ماه است، سه ماه تمام قمری و اگر روز دیگری از ماه است مانند پنجم یا دهم، هنگامی که پنجم یا دهم ماه چهارم شود، عده او تمام است. مثلاً اگر پنجم ماه رجب او را طلاق داده‌اند، پنجم ماه شوال عده او تمام است.

**مسئله:** اگر زنی بعد از یک عادت، یائسه شود، باید دو ماه دیگر عده نگه دارد و اگر دوبار عادت شده است، باید یک ماه دیگر عده نگه دارد.

**مسئله:** اگر مردی زن خود را طلاق رجعی دهد و در عده مراجعت کند و دوباره قبل از نزدیکی همسرش را طلاق دهد، زن باید بعد از طلاق دوم، عده سابق را ادامه دهد.

**مسئله:** اگر زنی طلاق خلع گرفته باشد و در زمان عده طلاق، شوهر برگردد، چنانچه نزدیکی کنند و سپس طلاق داده شود، باید مجدداً عده نگه دارد.

**مسأله:** در صورت فسخ عقد ازدواج دائم، اگر نزدیکی صورت گرفته باشد، زن باید عدّه طلاق نگه دارد.

**مسأله:** اگر عقد ازدواج دائم باطل باشد و نزدیکی هم صورت گرفته باشد، زن باید عدّه وطی به شبهه نگه دارد.

## عده ازدواج موقت

**مسئله:** عده زن در ازدواج موقت، بعد از تمام شدن مدّت یا بخشیده شدن مدّت باقی مانده از طرف شوهر، شروع می شود.

**مسئله:** عده زن در ازدواج موقت، چنانچه زن عادت ماهانه می بیند به مقدار دو حیض کامل است و اگر عادت نمی بیند، ۴۵ روز تمام است.

**مسئله:** اگر زنی در کمتر از ۴۵ روز دو بار خون حیض ببیند، عده او تمام است.

**مسئله:** اگر در زمانی که زن در عادت ماهانه به سر می برد، مدّت عقد ازدواج موقت تمام شود یا شوهر مدّت باقی مانده را بخشد، این حیض او جزو عده محسوب نمی شود.

**مسئله:** اگر زنی بعد از پایان عقد ازدواج موقت یا بعد از بخشیده شدن مدّت باقی مانده از طرف شوهر، بلافاصله عادت شود، حیض اوّل او محسوب می شود.

**مسئله:** زنی که مرتّب برای افراد متعدّد در عقد ازدواج موقت قرار می گیرد، اگر یاائسه نباشد و با او نزدیکی شده باشد، باید عده نگه دارد.

**مسئله:** سؤال و تحقیق از زن در مورد اینکه زیاد صیغه می شود و عده نگه می دارد یا نه، واجب نیست.

**مسئله:** اگر زن بگوید: عده را رعایت می کند، در صورتی که متهم به دروغگویی و بی تقوایی نباشد، می توان به حرف او اعتماد کرد.

**مسئله:** در صورت فسخ عقد ازدواج موقت، اگر نزدیکی صورت گرفته باشد، زن باید عده ازدواج موقت نگه دارد.

مسأله: اگر عقد ازدواج موقت باطل باشد و نزدیکی هم صورت گرفته باشد، زن باید  
عدّه وطی به شبهه نگه دارد.

## عدهٔ وفات

**مسئله:** ابتدای عدهٔ وفات از زمان مرگ شوهر است و در صورتی که شوهر غایب باشد و فوت کند، از موقعی است که زن از مرگ شوهر باخبر می‌شود.

**مسئله:** زنی که شوهرش از دنیا رفته، باید چهار ماه و ده روز عده نگه دارد. خواه ازدواج دائم باشد یا موقت، شوهرش با او نزدیکی کرده باشد یا نه. حتی زن یائسه نیز باید عدهٔ وفات نگه دارد و اگر باردار است، باید تا هنگام وضع حمل عده نگه دارد. ولی اگر پیش از گذشتن چهار ماه و ده روز فرزندش به دنیا آید، باید تا چهار ماه و ده روز از مرگ شوهر عده را ادامه دهد.

**مسئله:** اگر مردی زنش را طلاق دهد و پیش از تمام شدن مدت عده فوت کند، اگر عدهٔ طلاق رجعی بوده، نگه داشتن عدهٔ وفات لازم است. ولی در عدهٔ طلاق بائن، تکمیل همان عده کافی است.

**مسئله:** زنی که در عدهٔ ازدواج موقت به سر می‌برد، اگر شوهرش فوت کند، عدهٔ وفات ندارد و فقط باید همان عدهٔ ازدواج موقت را ادامه دهد.

**مسئله:** زن باید در مدت عدهٔ وفات، از پوشیدن لباس‌های زینتی، کشیدن سرمه در چشم و کارهای دیگر که زینت محسوب می‌شوند، خودداری کند.

**مسئله:** احتیاط واجب آن است که زن در عدهٔ وفات، از اصلاح صورت پرهیز کند.

**مسئله:** احتیاط واجب آن است که زن در عدهٔ وفات، گردنبندی را که قبل از مرگ شوهر به طور معمول به گردن داشته باز کند.

**مسأله:** جِداد به معنای ترک زینت در ایّام عدّه وفات لازم است، ولی ترک زینت به معنای ترک نظافت نیست.

**مسأله:** زوجیت زن و شوهر بعد از فوت به صورت کامل باقی نمی ماند. منتهی بعضی مراحل زوجیت مانند دیدن سر و صورت و قرار دادن در قبر باقی است و می تواند از روی لباس او را غسل دهد ولی نمی تواند او را کاملاً برهنه کند.

**مسأله:** پس از وفات زن یا شوهر، دیگری به او نامحرم نمی شود ولی محرمیت شان فقط محدود به نگاه کردن و غسل دادن می باشد. هر چند احتیاط مستحب آن است که اگر ضرورتی نیست، غسل ندهند.

**مسأله:** بوسیدن همسر هنگام فوت، اشکالی ندارد.

**مسأله:** خواستگاری به کنایه در عدّه وفات مانعی ندارد، ولی به صورت صریح اشکال دارد.

**مسأله:** در زمان عدّه وفات، نفقه زن را از سهم الارث او باید برداشت.



## عده زن باردار

**مسئله:** اگر مرد زن باردارش را طلاق دهد، عده زن باردار تا زمان به دنیا آمدن فرزند یا سقط شدن حمل اوست. حتی اگر یک ساعت بعد از طلاق، بچه به دنیا آید یا سقط شود، عده او تمام می‌شود و می‌تواند شوهر کند.

**مسئله:** اگر مرد نزدیکی نکرده باشد ولی انزال صورت گرفته و نطفه به رحم زن منتقل و سبب باردار شدن زن شده باشد و سپس طلاق واقع گردد، زن باید به اندازه عده زن باردار، عده نگه دارد.

**مسئله:** زنی که مجرد است و از راه زنا باردار شده است، عده ندارد و بلافاصله می‌تواند با زانی یا شخص دیگری ازدواج کند.

**مسئله:** زنی که شوهر دارد و از راه زنا باردار شده و طلاق داده شده است، در صورتی که مسلم باشد که حمل از زناست و احتمال الحاق به زوج شرعی نباشد، تنها باید عده طلاق نگه دارد و در غیر اینصورت، باید عده زن باردار را نگه دارد.

**مسئله:** در صورتی که حاملگی از طریق وطی به شبهه باشد، عده آن به اندازه عده زن باردار است.

## عده زن زناکار

**مسأله:** احتیاط واجب آن است که زنان زناکار، یک حیض استبراء کنند. یعنی بعد از رابطه نامشروع، صبر کنند تا یک بار حیض شده و پاک شوند و بعد از آن ازدواج کنند.

**مسأله:** اگر مردی با علم به عده و حرمت نکاح، با زنی که در عده زنا به سر می برد ازدواج کند، حرام ابدی نمی شوند و فقط عقد ازدواج باطل است و بعد از پایان عده می توانند با هم ازدواج کنند.

**مسأله:** اگر مردی با زنی که در عده زنا به سر می برد (نَعُوذُ بِاللَّهِ) زنا کند، حرام ابدی نمی شوند و بعد از پایان عده می توانند با هم ازدواج کنند.

## عدّه وطی به شبّه

وطی به شبّه یعنی مرد با زنی که به او حرام است، با جهل به این حرمت نزدیکی کند.

**مسأله:** هر گاه مرد با زن نامحرمی به گمان اینکه همسر اوست نزدیکی کند، زن باید به اندازه عدّه طلاق، عدّه نگه دارد. خواه زن بداند که او شوهرش نیست یا نه و اگر مرد می داند که آن زن همسرش نیست ولی زن او را شوهر خود می داند، در این صورت هم باید به اندازه عدّه طلاق، عدّه نگه دارد.

**مسأله:** عدّه وطی به شبّه به اندازه عدّه طلاق است، یعنی ۳ بار باید حیض ببیند.

**مسأله:** مبداء عدّه وطی به شبّه، از زمان آخرین آمیزش می باشد.

**مسأله:** زن در عدّه وطی به شبّه، به شوهرش نامحرم نیست و تنها باید از نزدیکی خودداری کند.

**مسأله:** ولد شبّه، حلال زاده است.

## مواردی که لازم نیست زن عدّه نگه دارد

در موارد زیر، لازم نیست زن عدّه نگه دارد و بلافاصله می‌تواند ازدواج کند:

۱. ازدواج زن با شوهر قبلی که تازه از او جدا شده و در عدّه او به سر می‌برد.

۲. زنی که در ازدواج دائم یا موقت، شوهرش با او نزدیکی نکرده باشد.

۳. زنی که نه سالش تمام نشده باشد.

۴. زن یائسه.

یائسه به زنی گفته می‌شود که سنّش به حدّی رسیده که دیگر عادت ماهانه نمی‌بیند و

اگر خونی ببیند، خون حیض محسوب نمی‌شود.

**مسئله:** زنان سیّده و غیر سیّده، هر دو بعد از تمام شدن پنجاه سال قمری یائسه

می‌شوند. یعنی اگر در این سنّ و سال خونی ببینند، خون حیض نیست مگر اینکه

آنچه می‌بینند تمام شرایط حیض را داشته باشد که در این صورت باید مطابق آن عمل

کنند.

۵۰ سال قمری تقریباً ۵۴۳ روز و ۱۸ ساعت، یعنی ۱۸ ماه و ۳ روز کمتر از ۵۰

سال شمسی است. بنابراین سنّ یائسگی به سال شمسی تقریباً ۴۸ سال و ۶ ماه

می‌شود.

**مسئله:** زنی که شک دارد یائسه شده یا نه، هرگاه خونی ببیند و نداند حیض است یا

نه، باید بنا بگذارد که حیض است و هنوز یائسه نشده است.

**مسئله:** اگر زنی بگوید یائسه است، قبول ادّعی او اشکال دارد.

## ازدواج با خواهر، مادر و دختر لواط دهنده

**مسأله:** اگر یک مرد بالغ، با یک پسر بالغ یا نابالغ (نَعُوذُ بِاللَّهِ) لواط کند، خواهر، مادر و دختر لواط دهنده بر لواط کننده حرام می شود.

**مسأله:** اگر لواط کننده نابالغ باشد یا شک دارد که در زمان این عمل بالغ بوده یا نه، ازدواج با خواهر یا مادر یا دختر لواط دهنده جایز است.

**مسأله:** اگر لواط کننده شک کند که نسبت به لواط دهنده نزدیکی کرده یا نه، ازدواج با خواهر یا مادر یا دختر لواط دهنده جایز است.

**مسأله:** ازدواج لواط دهنده با خواهر یا مادر یا دختر لواط کننده، جایز است.

**مسأله:** اگر مردی بعد از ازدواج با خواهر یا مادر یا دختر کسی، با او لواط کند، خواهر یا مادر یا دختر لواط دهنده که در عقد اوست بر او حرام نمی شود.

**مسأله:** احتیاط واجب آن است که لواط کننده، با خواهر رضاعی یا مادر رضاعی یا دختر رضاعی لواط دهنده هم ازدواج نکند.

**مسأله:** اگر یک مرد بالغ، با یک پسر بالغ یا نابالغ لواط کند و بعداً با خواهر یا مادر یا دختر لواط دهنده ازدواج کند و پس از ازدواج متوجه شود که ازدواج حرام بوده است،

عقد ازدواج باطل است و باید جدا شود و نیاز به طلاق هم ندارد.

## ازدواج با کافر غیر کتابی

**مسأله:** کسی که ضروری دین اسلام، یعنی چیزی را که همه مسلمانان می‌دانند، مانند: واجب بودن نماز و روزه و امثال آن را انکار کند، بطوری که انکار کردن آن معنایش انکار خدا یا انکار پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ باشد، کافر محسوب می‌شود.

**مسأله:** کسی که از روی علم و عمد به خدا یا قرآن یا یکی از چهارده معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام (نَعُوذُ بِاللَّهِ) توهین کند یا دشمنی داشته باشد، کافر محسوب می‌شود و اگر مسلمان باشد، مرتد محسوب می‌شود.

**مسأله:** کسانی که در حق امام علی عَلَيْهِ السَّلَام و سایر امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام غلو کنند، یعنی آن بزرگواران را خدا بدانند یا صفات مخصوص خدایی برای آنها قائل باشند، کافر محسوب می‌شوند.

**مسأله:** کسی که خدا یا پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ را قبول ندارد یا برای خدا شریکی قرار می‌دهد، کافر است هر چند به یکی از ادیان آسمانی مانند: یهودیت یا مسیحیت ایمان داشته باشد.

**مسأله:** هر کس که به یکی از ادیان آسمانی اعتقاد داشته و خود را از پیروان پیامبران الهی بداند و پیغمبری حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ را نپذیرد، کافر اهل کتاب می‌نامند. کافران اهل کتاب عبارتند از: مسیحیان و یهودیان.

**مسأله:** ازدواج دائم و موقت زن مسلمان، با مردان کافر کتابی و غیر کتابی جایز نیست.

**مسئله:** اگر زن بعد از ازدواج بفهمد شوهرش مسلمان نیست، نمی‌تواند با او زندگی کند و ازدواجش باطل است و باید از او جدا شود و نیاز به طلاق هم ندارد.

**مسئله:** قبل از ازدواج باید از دین شخص مقابل تحقیق کرد.

**مسئله:** اگر زن مسلمان با مرد کافر کتابی یا غیر کتابی ازدواج کند و صاحب فرزند شود، در صورتی که می‌دانسته‌اند که ازدواج آنها حرام و باطل است، فرزند نامشروع بوده و از آنها ارث نمی‌برد. اما اگر حکم را نمی‌دانسته‌اند، فرزند مشروع بوده و زن و مرد باید از یکدیگر جدا شوند و نیاز به طلاق هم ندارد.

**مسئله:** ازدواج دائم و موقت مرد مسلمان، با زنان کافر غیر کتابی جایز نیست.

**مسئله:** ازدواج دائم و موقت مرد مسلمان، با زنان کافر اهل کتاب جایز است. ولی اگر همسر مسلمان داشته باشد، احتیاط واجب آن است که بدون اجازه همسر مسلمانش، با زنان کافر اهل کتاب، ازدواج دائم نکند.

**مسئله:** ازدواج مرد مسلمان با زنان کافر حربی اهل کتاب، خلاف احتیاط است.

کافر حربی یعنی کافری که با مسلمانان در حال جنگ می‌باشد.

**مسئله:** نحوه ازدواج با زنان مسلمان و زنان کافر اهل کتاب تفاوتی ندارد و برای ازدواج با آنان باید صیغه عقد ازدواج دائم یا موقت خوانده شود.

**مسئله:** اگر مردی بخواهد ازدواج موقت کند، جایز است به مکان‌هایی برود که می‌داند در آنجا بانوانی به همین منظور حضور دارند و به آنها نگاه کند و یکی را انتخاب کند.

**مسأله:** اگر زنان کافر اهل کتاب یا اهل سنت، به ازدواج موقت اعتقاد نداشته باشند ولی به خاطر اعتقاد شوهر اعلام آمادگی برای این امر کنند، ازدواج موقت صحیح است.

**مسأله:** باید به زنان کافر اهل کتاب یا اهل سنت که قصد ازدواج موقت با آنان را داریم بگوییم که ازدواج در اسلام بر دو نوع است که یک نوع آن ازدواج موقت است و در برابر آن هدیه‌ای پرداخت می‌شود و نوع دیگر آن ازدواج دائم است.

**مسأله:** ازدواج با زنان بودائی و زرتشتی جایز نیست.

**مسأله:** ازدواج با زنان تایلندی که مذهب بودائی دارند، جایز نیست.

**مسأله:** اگر مرد مسلمان با زن بودائی یا امثال آن که اهل کتاب نیستند ازدواج کند و فرزندی متولد شود، عقد ازدواج باطل است و اگر بدانند که عقد ازدواج با زنان بودائی و امثال آن که اهل کتاب نیستند باطل است، فرزند آنها حلال‌زاده نیست. ولی اگر نمی‌دانسته‌اند عقد ازدواج باطل است، فرزند حلال‌زاده است.

**مسأله:** ازدواج زن و مرد شیعه با فرقهٔ بهائی باطل است و شک نیست که آنها افراد منحرفی هستند و اساس مذهب ساختگی آنها از سوی دولت‌های استعماری انگلستان و آمریکا است و جزء کفار حربی هستند. آنها نجس هستند و معاشرت، خرید و فروش و همکاری با آنها جایز نیست.

**مسأله:** اگر بهائی مسلمان شود، اموال او پاک می‌شود.

**مسأله:** وهابیان در صورتی که با ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام دشمنی نداشته باشند، کافر نیستند و ازدواج با آنان جایز است.



**مسأله:** ازدواج با کسی که خدا و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ را قبول دارد، ولی فقط امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام را قبول ندارد و با آنها دشمنی ندارد، مانعی ندارد.

**مسأله:** ازدواج زن و مرد شیعه با فرقه اسماعیلیه اشکال دارد.

**مسأله:** فرقه‌های قادریه، اهل حق، شیخیه و علی‌اللهی دو گروه هستند: عده‌ای منکر ضروریات دین اسلام هستند و نماز و روزه را قبول ندارند که ازدواج با آنها مطلقاً جایز نیست. ولی عده‌ای به یگانگی خدا و رسالت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شهادت می‌دهند و اگر انکار ضروریات هم کنند به انکار نبوت باز نمی‌گردند و ما می‌گوییم انکار ضروریات باید به انکار نبوت باز گردد که در این گروه نیست. پس ازدواج با گروه دوم در صورتی که بیم آن باشد که تحت تأثیر عقاید آنها قرار بگیریم اشکال دارد و اگر بیم این مطلب نباشد، حرام نیست ولی بهتر است از ازدواج با آنها خودداری کرد.

**مسأله:** زن و شوهری که مسیحی هستند، اگر زن مسلمان شود ولی شوهرش مسلمان نشود، زن باید از شوهرش جدا شود و نیاز به طلاق هم ندارد و اگر نزدیکی صورت گرفته، باید عده طلاق نگه دارد و ابتدای شروع عده از زمان مسلمان شدن است و بعد از پایان عده می‌تواند با شخص دیگری ازدواج کند. اما اگر شوهرش در زمان عده مسلمان شد، در حکم زن و شوهر هستند و اگر شوهرش مسلمان نشد می‌تواند با شخص دیگری ازدواج کند. ولی در صورت اجبار به ماندن با شوهر که در فرض جدایی همه چیز را از دست می‌دهد، می‌تواند تا زمان فراهم شدن شرایط با او زندگی کند.

## ارتداد همسر

**مسأله:** اگر زن یا مرد یقین داشته باشد که همسرش از روی علم و عمد به خدا یا قرآن یا یکی از چهارده معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام (نَعُوذُ بِاللَّهِ) توهین می‌کند یا دشمنی دارد، مرتد محسوب می‌شود و باید از او جدا شود و نیاز به طلاق هم ندارد.

مرتد یعنی مسلمانی که از اسلام خارج شود و کافر شود.

**مسأله:** تا ارتداد احراز نشود، رابطهٔ زوجیت باقی است و صرف ترک واجبات یا ارتکاب گناه، موجب ارتداد و خروج از دین نیست.

**مسأله:** اگر شوهر مرتد شود، عقد ازدواج باطل می‌شود و زن باید از او جدا شود و نیاز به طلاق هم ندارد. و اگر مرتد فطری باشد، زن باید عدّهٔ وفات یعنی عدّهٔ زنی که شوهرش مرده است نگه دارد و اگر مرتد ملّی است، زن باید عدّهٔ طلاق نگه دارد و بعد از پایان عدّه می‌تواند با شخص دیگری ازدواج کند و اگر زن یائسه باشد یا هنوز نزدیکی نکرده باشند، نگهداری عدّه لازم نیست.

**مسأله:** اگر زن مرتد شود و ارتداد پیش از نزدیکی بوده، عقد ازدواج باطل می‌شود و نیاز به طلاق هم ندارد. ولی چنانچه ارتداد زن بعد از نزدیکی بوده، مرد باید از او جدا شود و زن باید عدّهٔ وفات نگه دارد. پس اگر در بین عدّه زن مسلمان شود، عقد ازدواج به قوت خود باقی است و اگر تا پایان عدّه مرتد بماند، عقد ازدواج باطل است.

**مسأله:** مرتد بر دو قسم است: فطری و ملّی. مرتد فطری کسی است که از پدر و یا مادر مسلمان متولّد شده، ولی پس از قبول اسلام کافر شده است. مرتد ملّی کسی

است که از پدر و مادر غیر مسلمان متولّد شده، ولی پس از قبول اسلام کافر شده است.

**مسأله:** مرتد اگر فطری است، یعنی نطفه او در حال مسلمان بودن پدر و مادر یا یکی از آن دو منعقد شده باشد، حدّ او قتل است و توبه‌اش پذیرفته نیست، البتّه در صورتی که مرد باشد. ولی اگر مرتد فطری زن باشد و توبه کند، توبه‌اش پذیرفته می‌شود. و اگر مرتد ملّی باشد یعنی از پدر و مادر غیر مسلمان متولّد شده است، نخست به او پیشنهاد توبه می‌شود، اگر پذیرفت چیزی بر او نیست و اگر توبه نکرد، حدّ او قتل است.

**مسأله:** زن مرتد کشته نمی‌شود هر چند مرتد فطری باشد، بلکه زندانی می‌شود و در معیشت و آب و غذا و پوشاک بر او سخت گرفته می‌شود تا توبه کند و اگر توبه کرد، توبه‌اش پذیرفته می‌شود و از حبس خارج می‌شود و ازدواج با او مانعی ندارد.

**مسأله:** مرتد فطری توبه‌اش به حسب ظاهر قبول نیست (هر چند در واقع نزد خدا قبول می‌شود) ولی مرتد ملّی توبه‌اش پذیرفته است. البتّه اگر یقین کنیم مرتد فطری توبه حقیقی کرده است اگر چه شرعاً توبه او پذیرفته نیست و حد ساقط نمی‌شود، امّا در بقیه احکام (مانند پاک بودن و کفن و دفن و نماز) مانند سایر مسلمانان است.

**مسأله:** مرتد ملّی چند حکم متفاوت با مرتد فطری دارد. نخست اینکه او را توبه می‌دهند، اگر توبه نکرد حکم قتل اجرا می‌شود. دیگر اینکه اموال او میان ورثه تقسیم نمی‌شود مگر زمانی که بمیرد یا کشته شود. سوّم اینکه همسرش عدّه طلاق نگه می‌دارد

از همان زمان که ارتداد حاصل شد، در حالیکه همسر مرتد فطری عدّه وفات نگه می‌دارد.

**مسئله:** مسلمانی که مرتد می‌شود، تا زمانی که عقیده و ارتداد خود را آشکار و تبلیغ نکند، مجازات نمی‌شود و جان و مالش محفوظ است.

**مسئله:** مرتد اگر توبه کند، ازدواج با او مانعی ندارد.

**مسئله:** رفت و آمد با اقوام یا دوستانی که مرتد شده‌اند، جایز نیست.

**مسئله:** مسلمان زاده‌ای که به محض بلوغ، مسیحیت را پذیرفته است، اگر قبلاً اسلام را نپذیرفته باشد مرتد نیست ولی کافر محسوب می‌شود.

**مسئله:** زن یا مرد مسلمان با مرتد شدن به محرم خود نامحرم نمی‌شوند، به جز زن و شوهر که باید از هم جدا شوند.

**مسئله:** اگر مسلمانی مرتد شود و دوباره برگردد و مسلمان شود، واجبات دوران مرتد بودن را باید قضا نماید و علاوه بر قضای روزه‌ها، برای هر روز احتیاطاً کفّاره عمد باید پردازد.

**مسئله:** اگر مردی مسلمان، مسیحی شود و بعد از مثلاً ۶ ماه دوباره مسلمان شود، اگر بخواهد دوباره با زنش زندگی کند باید دوباره او را عقد کند، ولی اموالش بدون رضایت ورثه بر نمی‌گردد.

## ازدواج با اهل سنت در صورت احتمال انحراف عقیدتی

**مسأله:** ازدواج زن و مرد شیعه با اهل سنت اشکالی ندارد، ولی در صورتی که احتمال انحراف عقیدتی وجود داشته باشد، جایز نیست.

**مسأله:** ازدواج زن شیعه با مردان اهل سنت، در صورتی که برای مذهب زن یا فرزندان آینده‌اش خطری داشته باشد، جایز نیست.

**مسأله:** زنی که شوهرش سنی است و وی را مجبور به تغییر مذهب کرده است، در صورتی که تقیه کند بهتر است و اگر تقیه ممکن نیست، باید از او جدا شود.

## ازدواج در حال احرام

**مسئله:** هر گاه مردی در حال احرام که یکی از اعمال حج یا عمره است با زنی ازدواج کند، ازدواج باطل است و چنانچه می دانسته زن گرفتن در این حال حرام است، دیگر نمی تواند با آن زن ازدواج کند، خواه نزدیکی کرده باشد یا نه.

**مسئله:** اگر مرد، طواف نساء را که یکی از اعمال حج است به جا نیاورد، زن که به واسطه احرام بستن بر او حرام شده بود حلال نمی شود. این حکم درباره زن نیز ثابت است. ولی اگر بعداً طواف نساء را به جا آورند، به یکدیگر حلال می شوند.

## ازدواج دائم با زن پنجم

**مسئله:** ازدواج دائم مرد با زن پنجم، حرام و باطل است.

**مسئله:** مرد از دیدگاه اسلام تا چهار زن دائم می‌تواند اختیار کند. اما این مسئله، وسیله هوسبازی نیست بلکه مربوط به ضرورت‌هاست و با شرایط سنگین و در حدود معینی مجاز شمرده شده و فلسفه روشنی دارد که اگر مطابق با احکام اسلامی صورت پذیرد، فواید آن به جامعه زنان باز می‌گردد. شرح بیشتر این مطلب را در تفسیر نمونه جلد سوم ذیل آیه سوم سوره نساء مطالعه فرمایید.

## ازدواج دائم مرد با زنی که در عقد موقت اوست

**مسأله:** ازدواج دائم مرد با زنی که در عقد موقت اوست، حرام و باطل است.

**مسأله:** زن و مردی که ازدواج موقت کرده‌اند، اگر بخواهند ازدواج دائم کنند، ابتدا باید مدّت عقد ازدواج موقت تمام شود و یا اینکه شوهر مدّت باقی‌مانده را به زن ببخشد، سپس صیغه عقد ازدواج دائم باید خوانده شود و نیازی به نگهداری عدّه از سوی زن نیست.

**مسأله:** اگر هنوز مدّت عقد ازدواج موقت تمام نشده باشد یا شوهر مدّت باقی‌مانده را نبخشیده باشد و صیغه عقد ازدواج دائم خوانده شود، احتیاط واجب آن است که مجدداً صیغه عقد ازدواج دائم خوانده شود و اگر قبلاً فرزندان به وجود آمده باشند، حلال زاده هستند.



## ازدواج موقت مرد با زنی که در عقد دائم اوست

**مسأله:** ازدواج موقت مرد با زنی که در عقد دائم اوست، حرام و باطل است.

**مسأله:** زن و مردی که عقد دائم هستند، اگر بخواهند با هم ازدواج موقت کنند، ابتدا مرد باید زن را طلاق دهد و اگر طلاق رجعی است، باید صبر کنند تا عده زن تمام شود، آن گاه می توانند ازدواج موقت کنند.

**مسأله:** اگر مرد همسرش را طلاق باین دهد، بلافاصله می تواند با او ازدواج موقت کند.

## ازدواج با زن سه طلاقه بدون محلل

**مسئله:** اگر مردی همسرش را دوبار طلاق دهد و بعد او را عقد کند یا به او رجوع کند و بنابر احتیاط واجب در هر بار نزدیکی نماید و بعد از دیدن حیض و پاک شدن او را طلاق دهد، در مرتبه سوم که او را طلاق داد، آن زن بر او حرام می‌شود. ولی اگر آن زن با رعایت شرایطی با مرد دیگری (محلل) ازدواج کند و سپس طلاق بگیرد، می‌تواند با شوهر اول که او را سه مرتبه طلاق داده بود، دوباره ازدواج کند.

**مسئله:** زن سه طلاقه در صورتی بر شوهرش حلال خواهد شد که بعد از گذشتن عده، به عقد دائم مرد دیگری درآید و با او نزدیکی شود و سپس طلاق بگیرد و بعد از تمام شدن عده می‌تواند با شوهر اول که او را سه مرتبه طلاق داده بود، دوباره ازدواج کند.

**مسئله:** در ازدواج با محلل، نزدیکی کفایت می‌کند و لازم نیست هر دو ارضاء شوند.

**مسئله:** در ازدواج با محلل، نزدیکی حرام مانند: نزدیکی در ایام حیض یا نزدیکی در حال احرام هم کفایت می‌کند.

**مسئله:** بعد از ازدواج زن با محلل، مرد می‌تواند سه بار دیگر همسرش را طلاق دهد.

**مسئله:** زناى مرد با همسر سابق خود که در عده طلاق سوم به سر می‌برد، موجب حرام شدن آن دو بر یکدیگر نمی‌شود، ولی برای ازدواج باید محلل بگیرند.

**مسئله:** ارتداد، در صورتی که قبلاً دو بار زن را طلاق داده باشند، طلاق سوم محسوب نمی‌شود و نیاز به محلل ندارد.

## ازدواج با زن نه طلاقه

**مسأله:** اگر مردی زنش را نه بار طلاق داده باشد، چنانچه سه بار طلاق جداگانه واقع شده همچنین محلل نیز در بین آنها بوده، آن زن بر آن مرد حرام ابدی می‌شود و به هیچ وجه حق ازدواج مجدد با او را ندارد.

## ازدواج با خنثای مشکل

**مسأله:** ازدواج با خنثای مشکل حرام است و منظور از خنثای مشکل شخصی است که مرد بودن یا زن بودن او معلوم نبوده و به هیچ وجه قابل تشخیص نیز نباشد.

**مسأله:** اگر بعد از عقد ازدواج معلوم شود که یکی یا هر دو خنثای مشکل هستند، عقد ازدواج باطل است و باید از هم جدا شوند و نیاز به طلاق هم ندارد.

**مسأله:** ازدواج دائم یا موقت با افراد دو جنسی، در صورتی که جنس اصلی آنها مشخص باشد و جنس دّم زائد باشد، جایز است.

**مسأله:** تا زمانی که جنسیت شخص معلوم نباشد، ازدواج با او جایز نیست. ضمناً تغییر جنسیت و ظاهر ساختن جنسیت واقعی در افراد دو جنسی که یک جنس آنها غلبه دارد، خلاف شرع نیست بلکه واجب است. ولی تغییر جنسیت صوری و کاذب جایز نیست.

**مسأله:** تغییر جنسیت ذاتاً خلاف شرع نیست، ولی باید از مقدمات مشروع استفاده شود. یعنی نگاه به عورت و لمس آن لازم نیاید مگر اینکه به حدّ ضرورت مانند ضرورت مراجعه به پزشک رسیده باشد که در این صورت جایز است.

## ازدواج با زن زناکار پیش از توبه زن

**مسأله:** ازدواج با زنانی که مشهور به زنا هستند، بنا بر احتیاط واجب پیش از توبه زن جایز نیست.

**مسأله:** زنانی که مشهور به زنا هستند، مرتد یا کافر نیستند بلکه مسلمان گناهکار هستند و احتیاط واجب، ترک ازدواج با آنان است. مگر اینکه واقعاً توبه کنند و راه سابق را ترک نمایند.

**مسأله:** اگر در مذهب زنان زناکار کافر اهل کتاب، توبه کردن از زنا موضوعیت نداشته باشد، توبه آنها برای ازدواج با آنها لازم نیست.

## ازدواج با دختر خاله در صورت زنا با خاله

مسأله: اگر مردی با خاله خود (نَعُوذُ بِاللَّهِ) زنا کرده باشد، ازدواج با دختر خاله حرام و باطل است.

## ازدواج با دختر عمّه در صورت زنا با عمّه

مسأله: اگر مردی با عمّه خود (نَعُوذُ بِاللّهِ) زنا کرده باشد، ازدواج با دختر عمّه بنابر احتیاط واجب حرام و باطل است.

## ازدواج با افرادی که بیماری خطرناک و واگیردار دارند

**مسئله:** ازدواج با افرادی که بیماری خطرناک و واگیردار مانند ایدز دارند، در صورتی که خطر مهمّی نداشته باشد و بتوانند از وسایلی استفاده کنند که جلوی سرایت را بگیرد مانعی ندارد. اما اگر آمیزش خطر ابتلا به ایدز را به همراه داشته باشد، جایز نیست.

**مسئله:** شخص مبتلا به ایدز در صورتی که ازدواج او ایجاد خطر کند، ازدواج او اشکال دارد.

**مسئله:** زن و مردی که بعد از آزمایش خون متوجّه شده‌اند که در صورت ازدواج، احتمال دارد فرزند آنها به تالاسمی دچار شود، احتیاط مستحب آن است که با هم ازدواج نکنند ولی اگر ازدواج کنند، سقط جنین جایز نیست.

**مسئله:** زن و مردی که بعد از ازدواج، آزمایش خون داده‌اند اما نتیجهٔ آزمایش آنها با یکدیگر همخوانی ندارد، احتیاط مستحب آن است که اگر زن و مرد راضی باشند با طلاق از یکدیگر جدا شوند تا فرزندان آنها دچار مشکل نشوند.

**مسئله:** آزمایش خون قبل از ازدواج واجب نیست، ولی احتیاط ترک نشود.



## ازدواج با فرزند خوانده

**مسأله:** با توجه به اینکه ازدواج باید شرعاً به مصلحت فرزند خوانده باشد و به اصطلاح فقها، غبطهٔ او رعایت شود و این کار غالباً به مصلحت فرزند خوانده نیست و راه را برای سوء استفادهٔ پدر خوانده باز می‌کند، از نظر ما شرعاً جایز نیست.

## ازدواج های مکروه

ازدواج در موارد زیر مکروه است:

۱. ازدواج با بعضی از گناه کاران، مانند: شرابخوار، بی حجاب، ترک کننده نماز و غیره.
۲. ازدواج با فامیل.
۳. ازدواج موقت مرد مسلمان، بدون اجازه همسر مسلمانش با زنان ذمی.
۴. ازدواج با درویش.
۵. ازدواج با احمق.
۶. ازدواج مرد با قابله خود یا دختر او.
۷. ازدواج مرد با زنی که مرئی کودکی آن مرد بوده است.
۸. ازدواج پسر مرد با دختر زن دوم او از مرد دیگر.
۹. ازدواج در هنگام قمر در عقرب.
۱۰. ازدواج در وسط روز.

**مسأله:** ازدواج با شرابخوار جایز است، ولی کراهت شدید دارد.

**مسأله:** ازدواج با زنان بی حجاب یا بدحجاب حرام نیست، اما در صورتی که احتمال هدایت ایشان ضعیف یا مشکل است، بهتر است از ازدواج با ایشان صرف نظر کرد.

**مسأله:** مرد نمی تواند زن را به پوشش خاصی مجبور کند، مگر اینکه حجاب اسلامی با آن پوشش مراعات نشود و مانع در صورتی که تنگ و چسبان نباشد و تمام بدن زن به جز گردی صورت و دست ها تا میچ را بپوشاند، حجاب اسلامی محسوب می شود، هر چند چادر حجاب برتر محسوب می شود.

**مسأله:** اگر مردی زن بی حجاب یا بدحجاب خود را نمی از منکر نکند، فاسق است.

فاسق یعنی کسی که گناه کبیره انجام می دهد و یا اصرار به گناهان صغیره دارد.

**مسأله:** کسی که معتقد به ضروریات دین اسلام است و نماز را انکار نمی کند و فقط

به خاطر تنبلی نماز نمی خواند، کافر نیست بلکه مسلمان گناه کار است و ازدواج با او

جایز است. ولی لازم است با زبان خوش توأم با ادب و احترام او را امر به معروف و

نهی از منکر کرد تا این فریضه بزرگ را به جا آورد.

**مسأله:** ازدواج با فامیل اشکالی ندارد، ولی طبق روایتی که از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

به این مضمون رسیده است که با نزدیکان ازدواج نکنید به علت اینکه فرزند ضعیف و

لاغر به دنیا می آید، ازدواج با نزدیکان مکروه است. و چنانچه از لحاظ پزشکی و

آزمایشات نمی شده، بهتر است از آن پرهیز کرد. البته هر قاعده کلی، استثنائی دارد و

گاه شده است که حاصل ازدواج فامیلی، فرزندان بسیار باهوش و سالم بوده است.

**مسأله:** ازدواج موقت مرد مسلمان، بدون اجازه همسر مسلمانش با زنان ذمی کراهت

دارد.

منظور از ذمی، کافران اهل کتاب یعنی یهودیان و مسیحیان هستند که در مقابل

تعهدشان نسبت به رعایت قوانین اجتماعی اسلامی، از حمایت و امنیت حکومت

اسلامی برخوردار می شوند و در شهرهای مسلمانان زندگی خواهند کرد.

**مسأله:** درویش یعنی صوفیه، عموماً گرفتار انحرافات هستند. سزاوار است از معاشرت

و ازدواج با آنها پرهیز کرد.

**مسئله:** صوفیه، فرقه‌های مختلفی دارند و عقاید آنها مختلف است. بعضی از نظر عقیده منحرف هستند و بعضی منکر ضروریات دین اسلام هستند، در حالی که بعضی دیگر چنین نیستند و فقط انحرافات جزئی دارند.

**مسئله:** در برخی روایات، از ازدواج با زن احمق نهي شده است. لذا کراهت دارد و علت آن آثاری است که در زندگی خانوادگی و روی تربیت فرزندان دارد. البته هر چند ظاهر روایت در مورد زنان است، اما با این حال منحصر به ایشان نیست بلکه می‌توان در مورد مردان هم جاری دانست. به عبارتی دین اسلام خواستار تشکیل یک زندگی سالم و تربیت فرزندان صالح و شایسته می‌باشد. لذا ملاک‌ها و معیارهایی برای تحقق این هدف مهم بیان نموده است که رعایت آنها در این زمینه مفید و مؤثر خواهد بود.

**مسئله:** عقد ازدواج در هنگام قمر در عقرب کراهت دارد و بهتر است مراعات شود. البته اگر بدون اطلاع یا به هر نحو عقد ازدواج در هنگام قمر در عقرب صورت گرفت، برای بر طرف کردن تأثیر سوء آن می‌توان از صدقه و دعا استفاده کرد.

**مسئله:** منظور از قمر در عقرب، واقع شدن ماه در صورت فلکی عقرب است و آنچه درباره قمر در عقرب می‌نویسند، مطابق برخی از روایات دارای آثاری است.

**مسئله:** برای اطلاع از زمان‌های قمر در عقرب می‌توان به تقویم‌های نجومی مراجعه کرد. معمولاً همیه کنندگان این تقویم‌ها اهل خیره هستند و در مورد موضوعات شرعی مانند قمر در عقرب، این تقویم‌ها مورد قبول و اعتماد است.

**مسئله:** روایات قمر در عقرب شامل جشن ازدواج نمی‌شود.

**مسأله:** بهتر است عقد ازدواج در وسط روز صورت نگیرد. در حدیث معتبر است که به امام باقر عَلَیْهِ السَّلَام خبر رسید شخصی در گرمای هوا و در وسط روز به خواستگاری زنی رفته است. حضرت فرمود: گمان نمی‌کنم محبت و اُلفت در میان آنها استوار شود. سرانجام آنها به زودی از هم جدا شدند.

**مسأله:** ازدواج در شب مستحب است.

پایان

## منابع

۱. احکام ازدواج، سید مجتبی حسینی، دفتر نشر معارف.
۲. رساله توضیح المسائل، آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی.
۳. احکام خانواده در پرتو فقه اسلامی، وحید علیان نژاد، انتشارات امام علی بن ابی طالب عَلَیْهِ السَّلَام.
۴. پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی.
۵. مشکلات جنسی جوانان، آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی، انتشارات نسل جوان.
۶. تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، محمد محمدی ری شهری، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
۷. قانون مدنی، سید رضا موسوی و بهمن افشار، انتشارات هزار رنگ.